

دوره ششم تقنینیه

جلسه

۲۲۰

مذاکرات مجلس

شماره

۱۸۵

تاریخ تأسیس آذر

۱۳۰۵

جلسه لیل پنجشنبه ۱۸

اسفند ماه ۱۳۰۶

مطابق ۱۶ رمضان المبارک

۱۳۴۶

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی

خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود.

مطبعة مجلس

قیمه اشتراك

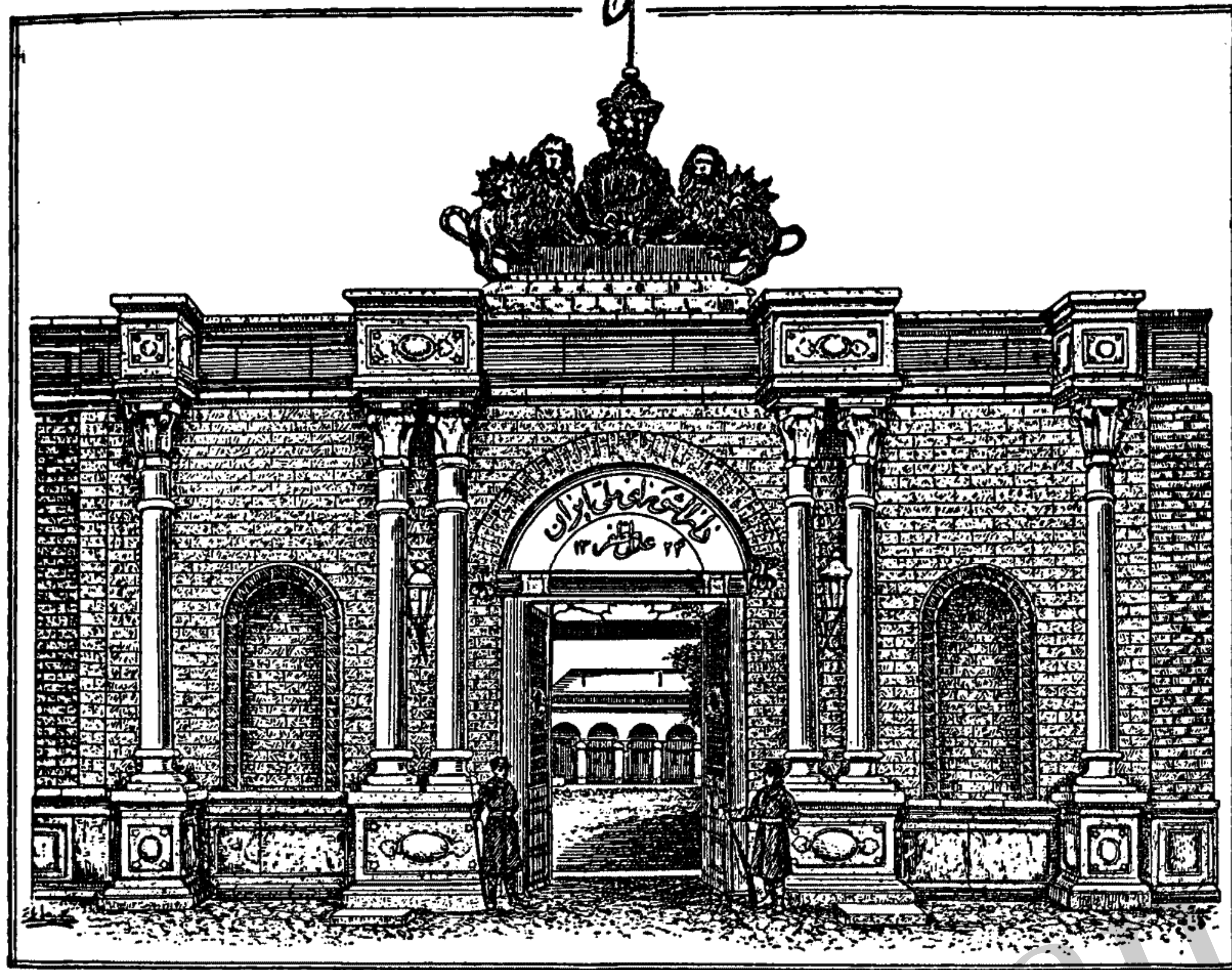
داخله ایران سالیانه ده تومان

خارجه « دوازده تومان

قیمه تک شماره

یک قران

فهرست مندرجات



مذاکرات مجلس دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس ليله پنج شنبه ۱۸ اسفندماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۶ رمضان المبارک ۱۳۴۶

جلسه ۲۲۰

(مجلس سه ساعت از شب گذشته برپاست
آقای پیرنیا تشکیل گردید)
(صورت مجلس ليله سه شنبه اسفند را
آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جلسه قبل
آقای - اعتبار - آقای یحیی خان زنگنه
غائبین بی اجازه جلسه قبل
آقایان: اسدی - نظام مافی - اعظمی - قوام شیروازی

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	مذاکرات نسبت بخر کمیسیون داخله راجع به لایحه اصلاح قانون سبج احوال	۲۸۷۳	۲۸۸۵
۲	تعقیب مذاکرات نسبت بشور نانی لایحه خالصجات انتقالی	۲۸۸۶	۲۸۹۸

مهدوی - سلطان محمد خان عامری - میرزا حسنخان وثوق
 محمود رضا - حاج غلامحسین خان ملک
 دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل
 آقای میرزا حسین خان ایلخان
 رئیس - صورت مجلس ایرادی ندارد؟
 (گفته شد خبر)

وزیر داخله - بنده تمنا میکنم قانون سجل احوال
 که سابقاً هم تقاضا کرده بودم جزو دستور شود حالا
 مطرح شود

رئیس - آقای دادگر

دادگر - موافقم

رئیس - مخالفی ندارد؟

بامداد - بنده مخالفم

رئیس - خبر کمیسیون مرخصی

(شرح ذیل خوانده شد)

آقای حقنویس نماینده محترم بواسطه مسدود بودن
 راه قم و عدم امکان حرکت تقاضای پنج روزه تمدید
 مرخصی از تاریخ ۲۲ بهمن نموده اند کمیسیون با
 تقاضای ایشان موافقت نموده و اینک خبر آنرا تقدیم
 می دارد -

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم

جمعی از نمایندگان - مخالفی ندارد

رئیس - رای گرفته میشود باین خبر - آقایانیکه

تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - خبر دیگر

(بمضمون آتی خوانده شد)

نماینده محترم آقای حاج شیخ نصره الله بیات از
 تاریخ ۲۳ بهمن تا چهارم اسفند تقاضای تمدید مرخصی

کرده اند کمیسیون با تقاضای ایشان موافق و خبر آنرا
 تقدیم مجلس مینماید

رئیس - مخالفی ندارد؟ رای گرفته می شود
 به مفاد این خبر آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند
 (عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شود

(خبر دیگر راجع مرخصی آقای محقق بشرح ذیل
 خوانده شد)

نماینده محترم آقای محقق شیرازی از ۱۴ فروردین
 مدت دو ماه تقاضای مرخصی کرده کمیسیون با تقاضای
 معزی البته موافقت نموده خبر آنرا تقدیم مینماید

رئیس - آقای دادگر

دادگر - موافقم

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - رای گرفته میشود باین خبر - آقایانیکه

تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد قانون سجل احوال مطرح است

آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده عرضی نداشتم چون لایحه اش را
 نداشتم از اینجهت مخالف بودم

رئیس - آقای دادگر

دادگر - بنده موافقم بعد از يك مخالف

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - در کلیات بنده موافقم

رئیس - آقای رفیع

رفیع - بنده هم موافقم

رئیس - آقای بامداد

بامداد - بنده مخالفم

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - عرضی ندارم

رئیس - آقای عمادی

عمادی - عرضی ندارم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خواستم از آقایان موافقین
 مخصوصاً از آقای دادگر و آقای وزیر داخله سؤال کنم و
 توضیح به بنده بدهند

در اینجا نوشته پس از یکسال که اینقانونرا بموقع اجرا گذاریم
 بیک موانعی بر خوردیم ولی آن موانع را هیچ ذکر
 نکرده است که علت اینکه این قانون سجل احوال را غیر
 عملی دانسته اند چه بوده و برای چه میخواهند تغییر
 بدهند خواستم از آقایانیکه در این باب اطلاعاتی دارند
 سؤال کنم و توضیح میخواهم که علت عدم اجرای آن قانون
 چه بوده و چه موجبی باعث شده که می خواهند او را
 تغییر دهند بیک قانون از مجلس گذشته حالا برای چه

میخواهند آنرا تغییر بدهند و مادام که این قانون
 جدید تصویب نشده البته آن قانون سابق متزلزل نخواهد
 بود خواستم بنده آقای مخبر با آقای وزیر داخله باشا

آقایانیکه مستحضر هستند علت این مسئله را برای بنده
 بفرمایند تا بدانم که این قانون چه نقصی داشته و چرا
 میخواهند تغییر بدهند و به چه علت عملی نبوده است ثانیاً
 مواد قانون سابق تا تصویب این قانون جدید بدیهی است که
 بقوت خودش باقی خواهد بود خوب بود دولت اول
 بیک لایحه بیاورد و آن قانون سابق را الغاء کند
 وبعد این پیشنهاد را به مجلس بکنند بنده اساساً مخالف نیستم
 ولی بیک توضیحاتی میخواهم که باید از طرف آقایان داده شود
 تا علی بصیرت وارد این لایحه بشویم و رای بدهیم

رئیس - آقای دادگر

دادگر - بنده عرض می کنم اگر آقای آقا سید

یعقوب موافقت میفرمودند و ما وارد مواد میشدیم
 آنوقت بهتر می توانستیم بحث کنیم و توضیح بدهیم
 به آقا که علت تغییر آن مواد چه بوده و چه فرقی
 با این مواد دارد - حالا هم اگر اجازه بدهید
 همین کار را بکنیم خیلی بهتر است موانع همیشه در ضمن
 عمل و اجرا احساس می شود شاید بیک قانونی هم خوب
 باشد ولی کاهی برای بهتر کردن بیک قانونی لازم است
 تغییراتی در آن داده شود و همطور که گفتند البته
 تا وقتی که بیک قانون جدیدی وضع نشده آن قانونی که
 تصویب شده بقوت خود باقی خواهد بود و همین نظر
 جنابعالی بود که ما را تأیید کرد که در این
 قانون بیک ماده وضع کنیم که حاکی از
 نسخ آن قانون و قبول قانون جدید باشد خوب است
 اجازه بدهید تا وارد مواد شویم و در آنجا بیک بیک
 توضیح خواهیم داد که چه موانعی در کار اجرا بوده
 و چه موجبات ما را به تغییر آن مواد و داشت و
 محظوراتی که ما را وادار کرد که این قانون را باین
 شکل در آوریم چه بوده است

رئیس - آقای روحی

روحی - بنده موافقم

رئیس - آقای بامداد

بامداد - اساساً اینقانون بطور اصول قابل مخالفت
 نیست زیرا حقیقتاً اگر بیک احصائیه درست در بیک
 مملکتی نباشد محال است که اقتصادیات آن مملکت بر
 روی بیک شالوده خوبی انتظام یابد تا چه رسد باحصائیه
 نفوس که در توسعه تمام احصائیه ها است ولی مخالفت
 بنده با این لایحه از نقطه نظر طرز تدوین این لایحه
 است و برای علاقه ایست که بنده باصل موضوع دارم.
 این لایحه فوق العاده سخت نوشته شده و تصور میکنم
 متناسب محیط و بر طبق احتیاجات مملکتی وضع نشده
 و مراعات اینگونه ملاحظات در آن نشده است. از
 بیک طرف تمام معاملات و تمام قرار داد هائی که مردم

با یکدیگر و با دولت دارند تمام را مرتبط و منوط کرده بداشتن ورقه سجل احوال. آنوقت از طرف دیگر مجازات و حبس را هم قرار داده اند. غرض از این قانون چیست؟ غرض این است که تمام مردم دارای ورقه هویت باشند و يك خلط و امتزاجاتی در معاملات نشود و بالاخره نتیجه کلی اینست که سرشماری و عدّه نفوس در مملکت معلوم شود در ماده اول می نویسد. که تا یکسال حوزه های سجل احوال در تمام مملکت باید تشکیل شود. و بنده در این قسمت عرض میکنم که این مدت عملی نیست. زیرا چطور ممکن است در ظرف یکسال در تمام نقاط مملکت و نقاط دور دست شعبه سجل احوال دائر شود خوب است، يك قدری هم نقاط دور دست مملکت وضعیت اهالی آنجا و پراکنندگی آبادی ها و بالاخره همه چیز را در نظر بگیریم. و آنوقت خواهیم دید که در ظرف یکسال نمیشود با این وضعیت شعبه سجل احوال در آن نقاط دائر و تأسیس کرد.

در این قانون نوشته پس از یکسال از اجرای سجل احوال کسانی که ورقه هویت نداشته باشند یا تکالیفی را که در این قانون معین شده انجام ننمایند محکوم به حبس و مجازات خواهند شد. این قدر عجله برای اجرای قانون سجل احوال برای چیست؟ این قانون که برای امروز و فردا وضع نمیشود برای تمام عمر ما بلکه برای عمر مملکت وضع میشود. عمر يك مملکت و ملت هم طولانی است پس باید طوری نوشته شود که خودش معبر پیدا کند و خودش اجرا شود حالا فرض بفرمائید آمدیم تا یکسال بعد از اجرا با دو سال هر کس که ورقه هویت نداشت خواستید حبس کنید یا مجازات کنید ملاحظه کنید چه گرفتاری هائی برای مردم ایجاد خواهد شد این قانون که منحصر بذکور نیست طائفه نسوان هم مشمول این قانون هستند چنانچه در ماده اول صریحاً میگوید و آنها را هم مکلف کرده است خوب: با وضعیت احتجاج و تعفی که زنهای این مملکت دارند

شاید تا يك سال نتوانند یا نفهمند که باید ورقه هویت بگیرند شما کوه مره یا کوه هزار مسجد خراسان را در نظر بگیرید و به بینید که يك دهاتی چطور در يك دره های تنگی از هم دور افتاده و چطور آبادی ها پرت افتادند آنوقت اگر مردمان این سامان نفهمیدند و نتوانستند در این مدت یکسال ورقه هویت بگیرند ملاحظه فرمائید حال این ها با مامورین دولت چه خواهد بود. البته نه مجلس شورای ملی که این قانون را وضع میکنند و نه دولتی که آنرا اجرائی کند هیچ کدام نظر انتقاعی از این قانون ندارند زیرا شما آمده اید و بجائی کرده اید. ولی با این طوری که شما میخواهید این قانون را اجرا کنید قطعاً فریاد و صدای تمام اهالی بلند خواهد شد. شما نظران به طهران نباشد یا اصفهان و سایر شهرهای مهم را نگاه نکنید بلکه نظران باید به تمام اطراف و جوانب مملکت باشد و باید يك ترتیب بکنید که همه راحت باشند

در ماده دویم میگویم تمام معاملات وقتی واقع میشود که اشخاص سجل احوال داشته باشند

این خوب است. حتی نظلم عدلیه را هم منوط بداشتن ورقه سجل احوال کرده مگر در موارد فوری پس شما آمده اید و يك راهی باز کرده اید برای این که تمام اشخاص ورقه هویت بگیرند زیرا هر کسی قطعاً دارای يك نوع از معاملات خواهد بود لاقل عقد و نکاح و طلاق و امثال اینها را دارد و بنا بر این مجبور خواهد بود که سجل احوال داشته باشند

خطیبی - شور در کلیات است

بامداد - بنده هم کلیات را عرض میکنم و خیلی میل دارم که خارج از موضوع چیزی عرض نکنم معنی شور در کلیات هم همین است که بطور کلی در يك لایحه نظر شود. شما تمام معاملات را مربوط بداشتن سجل احوال کرده اید بطوری که اگر آن رعیت بیچاره ورقه هویت نداشته باشد نمی تواند عقد و نکاح بکند و البته اجرای

يك قانون هم مستلزم يك ماده از تخلف نیست ولی ضمناً عقیده دارم که در اجرای آن باید تسهیلاتی هم قائل شد و قانونرا طوری باید قرار داد که متناسب با محیط باشد در این محیطی که یکی از بدبختی هایش بی سوادى است و باین قبیل چیزها اهمیت نمیدهند دیگر نباید يك مجازاتی هم قرار داد و بنده عقیده ام این است که عجله بهمین شرطی که قرار داده اند که هر معامله مستلزم داشتن ورقه سجل است باید اکتفا کرد. و اینکه آمده اند هم این شرط را قرار داده اند هم محکومیت به حبس و جزای نقدی را قائل شده اند این قهراً اسباب زحمت خواهد شد و بدست مامورین مادی بهانه می دهد که فریاد مردم را بلند کنند فرض بفرمائید در یکجا میگوید در موقع فوت مکلف میشد که در عرض چهل و هشت ساعت خبر بدهند و اگر خبر ندادند بموجب ماده هفت مجازات برایش معین کرده اند خوب ملاحظه بفرمائید يك نفری که پسری دارد و پسر بد بختش جوانمرك شده این فلک زده داغ دیده را مجبور میکند که در ظرف ۴۸ ساعت بیاید خبر بدهد به مقام مربوطه یا بکمیسر پلیس که پسر مرده. و اگر ندهد مجازات دارد. این آدم که باین مبانی اشنائی ندارد در آن وقت مشغول مصیبت خودش است. بنده معتقدم که باید يك تسهیلاتی در قانون برای مردم قرار داد و الا اسباب زحمت خواهد شد

احتشامزاده مخبر کمیسرون داخله - روح بیانات نماینده محترم این بود که خوب است در اجرای قانون تسهیلات قائل شد تا اسباب زحمت مردم نشود. البته خود نماینده محترم تصدیق می فرمایند که قانون بدون مجازات مثل این است که اصلاً خیال ندارند آنرا اجرا کنند زیرا اگر قانونی وضع شد ولی برای آن مجازات و سانسکیون قائل نشدید در حلیم این است که تقریباً اجازه ضمنی داده اید که اجرا نشود. و قانون که از نقطه نظر انتظامات عمومی وضع میشود البته باید يك مجازاتی هم داشته باشد. و برای

متخلفین باید مجازاتی قائل شد تا مردم ملزم باشند که مفاد آنرا رعایت کنند و برای همین منظور است که در این قانون هم مجازاتی برای متخلفین از قانون قائل شده اند. منتهی این مجاز است بدو صورت در آمده یکی اینکه در موقعی که مردم مراجعاتی با ادارات دولتی دارند مجبور باشند که ورقه هویت خودشان را ارائه دهند و از طرف دیگر برای اینکه واقعا مردم ملزم باشند که ورقه هویت و سجل داشته باشند مجازات متناسبی هم در نظر گرفته شده تا بواسطه آن مردم خود را مکلف بدانند که بروند ورقه سجل احوال تحصیل کنند نماینده محترم اشاره بناده اول فرمودند که نوشته پس از یکسال حوزه های سجل احوال باید در تمام مملکت دائر و تشکیل شود و ایشان این مدت یکسال را کافی نمیدانستند و تصور میکردند شاید در این مدت ممکن نشود در تمام مملکت حوزه های سجل احوال تشکیل شود لازم است عرض کنم دولت در نظر دارد برای تمام مملکت حوزه های سجل احوال تأسیس کند و حوزه بندی کند و در هر نقطه بطریق حوزه بندی تشکیلات خودش را بدهد با این ترتیب اگر ملاحظه بفرمائید خواهید دید که برای يك حوزه سجل احوال شش ماه مدت هم کافی است بلکه سه ماه هم کافی است منتهی ما خیلی رعایت این قسمت را کردیم و مدت را یکسال قرار دادیم

بر جردی - یکسال کافی نیست

مخبر - بلی اگر تصور میفرمائید برای تمام لرستان و بروجرد يك حوزه قرار میدهند و این مدت کافی نیست صحیح است ولی وقتی که در لرستان شعبات و حوزه بندی هائی پیدا کرد آنوقت تصدیق بفرمائید که این مدت کافی است زیرا در هر موقعی مجبور نخواهند بود اهالی يك قسمتی بمرکز شهر بیایند و ورقه هویت بگیرند. زیرا در هر قسمتی حوزه هائی هست که مختص این کار است و ورقه هویت با اهالی میدهد در این

صورت به عقیده بنده یکسال کافی است و با اطلاعاتی که مخصوصا بنده از این قسمت دارم بخوبی میدانم که شش ماه هم کافی است و اینکه ما قرار داده ایم از نقطه نظر ارفاق و سهولت کار مردم است بنابراین هیچ اشکالی هم ندارد و با این ترتیبی که در نظر گرفته شده زحمتی برای مردم متصور نیست. نماینده محترم فرمودند ممکن است بواسطه بی اطلاعی مردم زوند ورقه سجل بگیرند آن وقت چیزی باید مجازات شوند ما اگر نخواهیم این اصل «بی اطلاعی مردم» را در وضع قوانین قائل شویم پس هیچ قانونی اجرا نخواهد شد. البته برای اطلاع مردم در شهرها و آبادیها تدابیر لازمه و وسایل مقتضیه اتخاذ خواهد شد. و اهالی و سکنه را مطلع خواهند کرد مأمور سجل میرود در ده بکد خدای ده میگوید، مردم را دعوت می کند، اعلان می کند بلکه جار میزند و همه را خبر و مطلع میکند بطوریکه هیچ کس بی اطلاع نخواهد ماند. پس نماینده محترم از این قسمت هم مطمئن باشند که بهر ترتیبی هست مردم را مطلع خواهند کرد و هیچ جای نگرانی باقی نخواهد ماند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

بروجردی - بنده مخالفم

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - بنده با قانون سجل احوال مخالفتی ندارم ولی هرچه بنده این قانون را مطالعه کردم و با قانون سابق مقایسه کردم هیچ تفاوت مهمی ندیدم فقط تفاوتیکه درکار است راجع بدو قسمت است که آنرا هم ممکن بود در تحت دو ماده به مجلس تقدیم کنند و اصلاح آنرا نخواهند نه اینکه تمام قانون را مجددا تحت شور بیاورند و وقت مجلس را تضییع کند تفاوتی که بین این قانون و قانون سابق ملاحظه میشود یکی این است که اوراق هویت در آنجا بجای خواهد بود خوب این را ممکن دولت بود در تحت يك ماده لایحه بمجلس تقدیم کند و اصلاح

آن را تقاضا کند و دیگر از چیزهایی که در این قانون است ماده هشت این قانون است که می خواهند اوراق گذشته که در دست مردم است تصحیح بکنند و بنده هر چه دقت کردم چیزی نفهمیدم نمیدانم آقای مخبر یا آقای وزیر داخله توجه فرموده اند یا نه؟ این ماده هشت با ماده نه کاملا متناقض است. ماده نه را در قانون سابق الغاء کرده اند و ماده هشت را بدون اینکه اصلا توجه کنند که مخالف با آنست قرار داده اند. در این ماده هشت بخود اداره سجل احوال و مأمورین آن حق داده اند که سن اشخاص را خودشان معین کنند و بنده نمیدانم چطور همچو چیزی میشود

در هر صورت به عقیده بنده همان طوری که عرض کردم دو اختلاف این قانون با قانون سابق بیشتر ندارد و برای این دو ماده هیچ لازم نبود که يك قانونی را بیاورند و در مجلس مطرح کنند هیچ موجهی ندارد که اینکار را بکنند. يك قانون خوبی از تصویب مجلس گذشته مردم هم بآن خو گرفته و مانوس شده اند و موادش هم روشن تر و واضح تر و مفصل تر از این قانون جدید است. مگر اینکه آقای مخبر يك توضیحاتی بدهند که ما را متقاعد کنند و الا هیچ ضرورت و موجهی ندارد که از اول تا آخر يك قانونی را ما در اینجا مطرح کنیم و وقت مجلس را هم تضییع کنیم. اگر مقصود تغییر همان دو ماده است خوب بود آن دو ماده را تغییر داده و بصورت ماده الحاقیه در آورده و به مجلس رایزت دهند و با این ترتیب زودتر تمام خواهد شد

مخبر - در قانون سابق برای دادن اوراق هویت این طور پیش بینی کرده اند که افراد مردم خودشان اوراق اظهار نامه بنویسند و بدهند بدفاتر سجل احوال و بر طبق آن اظهار نامه مأمورین سجل احوال مجبور بودند ورقه هویت صادر کنند ولی بطوری که در این یکی دو

سال به تجربه رسیده این ترتیب خوب نبود زیرا اغلب مردم از سن خودشان بی اطلاعند و اگر مراجعه بفرمائید خواهید دید که اغلب اتفاق افتاده که يك اشخاصی سی و پنجسال سی سال داشته اند ولی وقتی که از خودشان می پرسیدند جور دیگر می گفتند من باب مثل عرض میکنم خود بنده دیدم که يك پیر مردی که بنده خوب او را میشناختم و سنش متجاوز از شصت سال بود. پس از اینکه چندین مرتبه اظهار کرد اطلاع ندارم گفت هرچه میخواهی بنویس گفتم آخر چه باید نوشت گفت بنویس بیست سال بیچاره نمیدانست سنش چقدر است حالا در يك همچو موردی البته يك اختلاف فاحشی هست و محسوس است و مأمور سجل احوال میفهمد که این شخص با این شکل و قیافه خیلی بیشتر از این سن دارد و البته وقتی گفت بیست سال با سی سال او را متنبه و متذکر میکنند ولی در اختلافات جرئی هفت هشت ده سال طوری است که اغلب سکنه ایران تاریخ ولادت خودشان را نمیدانند و اطلاع ندارند مقصود این است که در قانون سابق اختیار تعیین سن و اطلاعات مربوطه به ازدواج و طلاق و فوت را واگذار کرده بودند بنظر اشخاص. اشخاص يك اوراق اظهار نامه مینوشتند و میدادند بمأمورین سجل احوال مأمورین سجل احوال هم مجبور بودند که مطابق آن اظهار نامه ورقه صادر کنند ولی در این قانون پیش بینی شده و جق داده شده بمأمورین سجل احوال که هرگاه تردیدی کنند در صحت اظهار کننده بواسطه ممکنه در اطراف آن تفتیش کنند و پس از اینکه اطمینان پیدا کردند به صحت اظهارات آنوقت ورقه را صادر میکنند این یکی از موارد اختلاف این قانون با آن قانون است یکی از اختلافاتش همان است که آقای یاسائی فرمودند و آن اینست که بر طبق قانون سابق برای هر ورقه هویت که صادر میکردند يك قران میگرفتند ولی در این قانون دیگر آن ترتیب نیست یکی دیگر از موارد اختلاف این است که در

قانون سابق ترتیب دفاتر و اوراق سجل احوال را در قانون ذکر کرده بودند و شاید در تجربیات دیده شد که از نقطه نظر اطلاعات لازم باشد که در ترتیب اوراق و دفاتر و تنظیم آنها يك تغییراتی بر حسب مقتضیات مملکت و محل داده شود اینست که در این قانون ترتیب دفاتر و اوراق سجل را ذکر نکرده اند و موکول کرده اند بنظامنامه که دولت با رعایت احتیاجات وقت تنظیم کند و البته يك موارد دیگری هم هست که اختلافات جزئی است و آن هم در موقع شور مواد عرض میشود ولی اختلافات کلیش اینها بود که عرض کردم

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - عرضی ندارم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای شیخ بیات

حاج شیخ بیات - بنده قبل از این که آقای مخبر توضیحات بدهند عقیده ام این بود که مذاکرات کافی باشد ولی پس از اینکه آقای مخبر توضیح دادند بعقیده من اصلا این قانون را ضایع کردند برای اینکه در قانون اگر بنا باشد که سلب حق کرده باشد از افراد مردم و گفته باشد که تعیین سن با مردم نیست بنده کاملا مخالفم و عقیده ام این است که تعیین سن با مردم است و در هیچ جای دنیا این ترتیب نیست بنده در این قانون همچو چیزی ندیدم ولی آقای مخبر اینطور گفتند و بنده نفهمیدم از کجا اینرا آوردند

مخبر - دوسه حایش هست

حاج شیخ بیات - از این نقطه نظر بنده عقیده ام این است که اجازه بدهند آقایان مخالفین و موافقین مذاکرات خودشان را بکنند بعد بفرمایند مذاکرات کافی است

رئیس - آقای حاج آقا رضا

حاج آقا رضا رفیع - دلیل آقا بالاخره دلیل میشود

برای اینکه مذاکرات کافی است برای اینکه حس فرمودند که آقای مخبر نتوانستند درست توضیح بدهند که این قانون قابل تغییر است پس باید در کلیات این قانون مذاکراتش را کافی تصور کرد و داخل در مواد شد و پیشنهادات داده شود تا نظریات معلوم شود والا همینطور این جا بنشینیم و صحبت کنیم بالاخره بمقصد نمیرسیم بنابراین خوبست آقای هم موافقت بفرمایند که مذاکره در کلیاتش کافی شود و وارد مواد شویم در مواد صحبت میکنیم پیشنهادات هم داده میشود و میرود بکمسیون و بر میگردد به مجلس و انشاء الله چند ماه دیگر موفق خواهند شد که این قانون را با يك ترتیب خوبی بگذرانند.

رئیس -- رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس -- اکثریت است . رأی گرفته میشود بشور در مواد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس -- اکثریت است . ماده اول

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده اول - پس از یکسال از تاریخ تاسیس دفتر سجل احوال در هر حوزه سجل احوال کلیه سکنه آن شعبه باید دارای ورقه هويت باشند اشخاص ذکوری که سن آنها بیش از ۱۵ سال است باید شخصاً برای اخذ ورقه هويت بمأمور سجل احوال مراجعه نمایند سؤال اخذ ورقه هويت صغار ولی خاص (پدر جد پدری یا وصی منصوب که وصایت او متکی بسند رسمی باشد) یا قیم صغیر است اشخاص اناث شخصاً یا بسوسيله وکیل ثابت الوکاله ورقه هويت خواهند گرفت مأمورین سجل احوال موظف هستند در کلیه مواد فوق پس از تشخیص صحت اظهارات اظهار کنندگان ورقه هويت صادر نمایند .

و یکسال تشخیص داده اید این است خودتان ببینید و حکم کنید . در حالتیکه این قانون با آن ترتیبات این فشار ها را بر مردم وارد آورده اند حالا نازه اینجا اختیار تشخیص صحت اظهارات را بدست مأمور سجل احوال دادن نظر بنده خیلی چیز بدی است و بایستی آقایان توجه بفرمایند که این تشخیص صحت اظهارات از چه راهی معلوم میشود سایر قسمت هایش را هم در موارد عرض میکنم

وزیر داخله - بنده گمان میکنم که آقای نماینده محترم با اطلاعاتی که در موقع شرکت در کار انتخابات پیدا کرده بودند خودشان بیشتر قایم بفرمایند در وضع قانون سجل احوال . . .

بهبهان - همان موجب مخالفت من شد

وزیر داخله - و جدیت بفرمایند که این ماده هر چه زود تر بگذرد برای اینکه اگر واگذار کنیم به همان اظهارات اشخاص البته این معنایی که نا محول بوده است باز هم خواهد بود این را هم البته باید آقایان بدانند که این راجع به موردی نیست ممکن است در میان صد صد و پنجاه نفر يك نفر سنش مورد اشتباه واقع شود و البته در آن موقع بوسیله اطلاعات که از خانواده او پیدا می کنند یا بوسایل دیگر تشخیص میدهند که این شخص سنش چقدر است و الا در هر موردی تردید پیدا نمیشود که محتاج به تحقیقات شوند اما راجع باینکه یکسال کافی نیست بنده تصور می کنم با این تشکیلات که وزارت داخله در نظر دارد برای سجل احوال این مدت هیچ کم نیست بلکه خیلی هم کافی است برای اینکه ترتیب دفاتر سجل احوال در شهرها و مأمورین سجل احوال بموجب ترتیبی که در نظر گرفته شده در تمام قراء و قصبات گردش خواهند کرد و بهمه جا دفاتر سجل احوال رامیبرند و این چندان چیز مهمی نیست در هر دهی برفرض هر عده باشد اینقدر میتوانند در عرض يك روز دوروز حاضر شوند و در دفتر سجل احوال ورقه هويتشانرا بگیرند

بگیرند اغلب اهالی شهر نسبت بقانون چندان توجهی نمیکنند چه رسد باین که اهالی يك قراء دور دستی که اصلاً قوانین بگوششان نخورده . در هر حال بنده تصور میکنم بر فرض این که دولت هم يك ادارات متعدده در هر جایی تشکیل بدهد باز يك سال کم است و و باین مدت میبایست اضافه شود یکی دیگر از آن چیز هائی که میخواستم عرض کنم موضوع این قسمت است که مینویسد : (مأمورین سجل موظف هستند در کلیه موارد فوق پس از تشخیص صحت اظهارات اظهار کنندگان ورقه هويت صادر نمایند) من نمیدانم این تشخیص را از روی چه ترتیبی میدهند؟ و واقعاً نظیر همان فرمایشی است که آقای مخبر کردند و حقیقه بهیچوجه من الوجوه نمیشود این رویه را قبول کرد چطور میشود يك آدمی خودش ، پدرش ، از سنش اطلاع نداشته باشد ولی يك مأموری که از طهران میرود بعرق بداند که حسن یا یوسف پسر یوسف پسر اویار فلان سنش فلان قدر است ؟ ! این چیز غریبی است !! . . .

کازرونی - آخر يك پیر مردی بایشان گفته من من ۲۰ سال است .

بهبهان - در هر حال مثالی را که زدند بنده بالا از آن را خیر دارم مأمورین سجل احوال در گذشته اغلب خودشان سن اشخاصی را که زیاد بوده کمتر مینوشتنند و بالعکس چنانچه در موقع اجراء قشون اجباری چند بار مبتلا به من شد من جمله يك کسی آمده پیش من و میگفت يك کسی رفته است آنجا و تحت قرعه آمده ولی این شخص سنش بیشتر است سی و پنج سال دارد . اولاد دارد که اولادهاش بیست و پنجسال دارند . يك مرد بنائمی بود (الان هم هست) بنده گفتم آن شخص کجاست ؟ بعد معلوم شد که خود آن شخص اظهار کننده است حقیقه يك ریش داشت تا اینجا (اشاره بسینه) و تقریباً سنش را میشد در حدود سی و پنج و چهل سال تشخیص داد . بنده کاغذی نوشتم با دانه سجل که این شخصی که شما سنش را بدست

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده عرضی نداشتم

رئیس -- آقای دادگر

دادگر - موافقم

رئیس -- آقای بهبهانی

آقا میرزا سید احمد بهبهانی - کلیه قوانینی که وضع میشود باید طوری باشد که ملاحظه اخلاق و اطوار مردم هم شده باشد مدام که ملاحظه این نکته نشود آن قانون دارای فشار هائی میشود که در اجرا اسباب زحمت و انزجار مردم میشود این قانون سجل احوال همان طور که نماینده محترم گفتند دو سه قسمت است که با قانون سابق تفاوت دارد و از این دو سه قسمت يك قسمت چندان مهم نیست ولی دو قسمتش خیلی مهم است در هر حال در ایامه اول آنچه بنده میخواستم عرض کنم اینست که اولاً در هر جایی که دفتر سجل احوال تاسیس میشود مکلفند که در ظرف یکسال اهالی آن حوزه ورقه سجل احوال بگیرند . این جا آقای مخبر تصریح کردند که از طرف دولت حوزه های متعددی تشخیص خواهد شد و با آن تعدد و حوزه هائی که دولت در نظر دارد البته تسهیل میشود برای مردم و ممکن است که در ظرف یکسال همه مردم برفسایت دارای ورقه سجل احوال بشوند بنده تصور میکنم مادام که آن حوزه ها تشکیل نشده ما نمیتوانیم تصدیق کنیم که بقدر کفایت است یا نیست و بسا دیده ایم که در همین عنوان قانون سجل احوال و اجرای آن در اول همین دوره مجلس که در آن هستیم بنده احساس کردم که اغلب خود دولت در دادن تعرفه یا دادن ورقه هويت مسامحه میکند چه رسد باین که حوزه بقدر کفایت تشکیل بدهد . اغلب با بعضی جاها که قراء متعدد که دور دست دارد ممکن است بگویند از دو فرسخی بیایند ورقه هويت بگیرند و این يك محرك واقعی ندارد که مردم بیایند ورقه سجل

و بنده تصور میکنم با این بسطی که بوزارت داخله در تشکیلاتش خواهد داد اینمدت کفایت خواهد کرد و بیش از این لازم نیست.

رئیس -- آقای یاسائی مخالفید؟

یاسائی -- بله. مخالفت بنده باز در همان زمینه است که قبلاً عرض کردم ما در دوره پنجم يك قانونی گذرانیم که بعقیده بنده بهتر از این راپورت بود و شاید دولت تصور کرده است که بواسطه تغییر عبارات قانون اعمال مأمورین سجل احوال اصلاح میشود این يك اشتباهی است (مأمورین هفت هشت ده تومانی را وقتی مأمور اجرا يك همچو قانونی میکنند البته بد اجرا میکنند وقتیکه بد اجرا شد اوقاتشان تلخ میشود آنوقت تصور میکنند که اصل قانون بد است در صورتیکه اینطور نیست قانون سجل احوال خوب قانونی است منتها مأمورین آن را بد اجرا میکنند. (خواهش میکنم از آقای وزیر داخله تحقیق کنند) در اغلب نقاط شرقی که بنده اطلاع دارم مأمورینی که معین شده اند بین هشت تومان و دوازده تومان حقوق دارند اغلبشان هشت تومان حقوق دارند و خیلی کم دوازده تومان دارند اینها را مأمور میکنند میروند در دهات البته آنوقت فوق العاده از مردم میگیرند از آن ناکسی که معین شده زیاده میگیرند و در غالب جاها بنده اطلاع دارم که اصلاً سواد درستی ندارند معلومات اداری ندارند میروند و اسباب زحمت مردم میشوند و قانون بد اجرا میشود آنوقت تصور میکنند عیب از قانون است. بنده خیال میکنم مورد اختلاف فقط درجا است یکی همان موضوع معافیت مردم است از پرداخت وجه بابت گرفتن اوراق این يك ماده است که مینویسد آن ماده مربوط باین قسمت در آن قانون سابق ملغی است. يك ماده هم راجع باین است که اگر اختلافاتی راجع باوراق گذشته بود چطور آن اختلافات رفع میشود؟ یکوقتی بنده شنیدم که گفتند در حدود غرب و بعضی نقاط دیگر

مخصوصاً در این اواخر در آذربایجان اوراق هوبتطوری داده شده است که غالباً بر خلاف حقیقت بوده است

بیات - مأمورین کرده اند

یاسائی - ممکن است ولی راه اصلاح چیست؟ در قانون فعلی یعنی قانون مصوب مجلس راه تصحیح يك ورقه هوبتی این طور پیش بینی شده است که روند بمحاکم صالحه. گفتند ما حساب دایم هفتصد هزار ورقه بر خلاف حقیقت صادر شده و آقای وزیر عدلیه گفتند هفتصد هزار ورقه را محاکم نمیتوانند رسیدگی کنند در این صورت پس باید يك راه دیگری پیدا کرد و يك فکر دیگری کرد بنده شنیدم در یکی از نوحی قزوین ورقه هوبت باشخاص داده شده است و سن پدر و پسر یکی است غالباً این طور است و بعضی هم طور های دیگری است ولی حالا بنده در این راپورت دقت کردم که چرا راه اصلاحی برای آن اوراق در نظر گرفته شده می بینم هیچ نیست جز اینکه بنظر همان مأمورینی که غالباً این معایب از آنها پیدا شده واگذار شده و بالاخره این ترتیب این قانون را اصلاح نمیکند و در عمل باز بیشتر دچار اشکال میشود و بنده خیال میکنم بهتر این است که يك هیئتی واگذار کنند یعنی اگر محاکم وقت نمی کنند که به اوراق شکایات رسیدگی کنند لا اقل حاکم و رؤساء ادارات هفته يك روز در يك محلی جلسه بکنند و باین امر يك رسیدگی کنند یا بيك ترتیب دیگری ولی این ترتیبی که در این قانون ذکر شده است اوراقی را که بر خلاف حقیقت صادر شده تصحیح که نمیکند هیچ شاید درآینه هم اوراق ر حقیقت زیاد تر صادر شود مخصوصاً برای تغییر و تبدیل سن اشخاص ما خود مان يك چیز هائی میدانیم که البته مقتضی نیست نگوئیم. مأمورین يك استفاده های نامشروعی برای تغییر و تبدیل سن کردند میکنند. مأمورین

را باید اصلاح کرد باید يك طریقه و راهی کمیسیون داخله برای اصلاح این قضیه در نظر بگیرد و پیشنهاد کننده به مجلس با موافقت نظر مجلس این مسئله اصلاح شود و الا مجدداً قانون را آوردن و یکی یکی مواد را طرح کردن و مسائل نظامنامه را داخل کردن باقانون با مسائل مربوط بدفتر را طرح کردن مقتضی نیست اگر يك چیز هائی راجع بدفتر احصائیه و سجل احوال لازم است آن را در نظر بگیرند و دیگر محتاج نیست که بیائیم قانون را از ابتدا بگیریم و مطرح کنیم ممکن است يك ماده بنویسند که مثلاً مواد راجع بفلان یا مواد مربوط بدفتر ملغی است و در نظامنامه مقرره پیش بینی شود و هیچ اشکالی هم ندارد در هر صورت بنده عقیده ام این است که این قانون باید برود به کمیسیون داخله و در آنجا با حضور دولت يك مطالعاتی بکنند و یکی دو ماده که مورد ابتلاء است تنظیم کنند و وقت مجلس راهم زیاد بگیرند قوانین مهمتر از این در دستور مان است مشغول بشویم آن ها را بگذرانیم.

مخبر - شور اول هر قانون برای این است که جلب نظر آقایان نمایندگان محترم بشود و کمیسیون داخله هم همین نظر را داشته است که در شور اول جلب نظر آقایان نمایندگان را نسبت به يك يك مواد این قانون بکند و بعد از آنکه نظر آقایان نمایندگان به وسیله پیشنهادهائی که میدهند معلوم شد البته کمیسیون داخله هم با رعایت نظر اکثریت مجلس قانون را تنظیم و تقدیم خواهد کرد و این را به طور کثیری می عرض کنم که منظور این است که يك يك مواد خوانده شود و طرح شود نادر اطرافش مذاکره شود و پیشنهادات داده شود و بعد البته کمیسیون داخله هم نظریات آقایان را مطالعه خواهد کرد و بيك ترتیبی که جامع بین نظریات آقایان باشد در نظر میگیرد و آنطوری که مقتضی است اصلاح میکند. در قسمت اوراقی که صادر شده و نماینده محترم اظهاراتی فرمودند تمام این مذاکرات و فرمایشات ایشان در کمیسیون خیلی مفصلتر صحبت شد و بالاخره بنده

خودم هم شخصاً این عقیده را داشتم که تنها اختیار را بيك نفر مأمور سجل احوال دادن خوب نیست و بهتر این است حالا که ارجاع به محاکم صالحه از نقطه نظر کثرت اوراق غلط غیر مقدور است و تراکم کار های دیگر عدلیه اسباب تاخیر کار است و نمیتوانیم بوسیله محاکم صالحه تجدید نظری در اوراق صادره بنائیم بنده شخصاً عقیده ام این بود که يك کمیسیون مرکب از دو نفر سه نفر مأمور شوند که با نظر آنها این اوراق غلطی که صادر شده اصلاح شود ولی بر خوردیم باین اشکال که در شهرها ممکن است که کمیسویی مرکب از رؤساء ادارات و حاکم و اشخاص دیگری تشکیل داد که شرکت کنند در این قضیه ولی البته آقایان میدانند که مادر اغلب نقاط اصلاً مأمور دولت نداریم. این محظور بود که بالاخره کمیسیون داخله را ناگزیر کرد که این نظر را اتخاذ کند حالا هم اشکالی نیست هر کدام از آقایان نمایندگان راجع بهر يك از مواد نظری داشته باشند بشکل پیشنهاد میدهند و بنده اطمینان میدهم که کمیسیون داخله با نظر آقایان نمایندگان این قانون را اصلاح خواهد کرد و بيك خبر جدیدی مطابق نظر اکثریت مجلس تقدیم خواهد کرد که کاملاً تسهیل را مراعات کرده باشد و رفع نگرانی ها بشود پس بنده تقاضا میکنم آقایان موافقت فرمایند که بيك بيك مواد مطرح شود و یکی دو نفر در اطراف آن مذاکره کنند پیشنهاد خودشان را بدهند تا با رعایت نظر آقایان این قانون اصلاح شود.

رئیس -- پیشنهاد آقای مولوی

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم قانون سجل احوال از دستور خارج شود

رئیس -- آقای حاج شیخ بیات هم همین پیشنهاد را

کرده اند - آقای مولوی

مولوی - بطوریکه آقایان ملاحظه میفرمایند این قانون يك نواقصی دارد که بهتر این است بر گردد

بکمیسون تا در آنجا در اطرافش مطالعه بشود و مجرداً
بباید بمجلس والا پیشنهاداتی که داده میشود خیلی
بطول می انجامد

رئیس -- آقای حاج آقا رضا

حاج آقا رضا رفیع -- عرض کنم بعقیده بنده این
قانون هر وقتی که لایحه اش بمجلس آمد که در اینجا
اصلاح شود بایستی استقبال کرد و نباید با این لایحه
مخالفت کرد آقایان نمایندگان افکار عالی خودشان را
پیشنهاد میکنند و بعرض مجلس میرسند ما الان این
قانون را از دستور خارج کنیم یعنی میفرمایند قانون
سجل احوال نباید اصلاح شود؟! البته هیچکدام
این نظر را نداریم و باید اصلاح شود اگر این قانون
امشب مطرح نبود آقای ناسائی نمیتوانستند نظریات
خودشان را اظهار بدارند بنا بر این بنده گمان میکنم
بهر این است که آقایان موافقت بفرمایند که این لایحه
در دستور باشد پیشنهادات خودشان را هم میدهند شور اول
است می رود بکمیسون و در آنجا رسیدگی و مطالعه میشود و
مطابق نظریات آقایان يك قانونی نوشته میشود و می آید
در مجلس و میگذرد و هیچ مانعی هم ندارد

رئیس -- رأی گرفته میشود بخروج این لایحه از دستور

آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند
(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس -- تصویب نشد

دادگر -- بنده پیشنهاد تنفس میکنم

رئیس -- آقای شیروانی

شیروانی -- مهمترین و حیاتی ترین قوانین مملکتی ما
که قانون نظام اجباری باشد بواسطه سوء جریان اداره
سجل احوال و سوء اجرای قانون سجل احوال در مملکت
فلج شد و شاید يك چیزهایی که هیچ کس معتقد نبود و يك
وقایعی که هیچ کس موافق نبود ایجاد يك مملکتی که همیشه
سابقه سلحشوری داشته معرفی کرد که مخالف نظام اجباری است

در صورتیکه ...

رفیع -- مملکت نبود

(همهمه نمایندگان)

شیروانی -- اجازه بفرمائید مملکت بود

ناسائی -- مملکت نبود. مملکت صد سال است سرباز
بنیچه میدهد

شیروانی -- مقصود چه بود از این فرمایش؟! بنده
چه گفتم که شما این جواب را دادید؟ چیز غربی
است!! همه جا خود شیرینی میخواهند بکنند. آقا
بنده دارم يك حقیقی را این جا میگویم دیگر با بنده
که مورد این حرف ها نیست! بنده میگویم که سوء
جریان قانون سجل احوال معرفی کرد که يك مملکتی
مخالف با قانون نظام اجباری است و حال آنکه بنده
من این طور گفتم شما همه جا میخواهید موقع بدست
بیاید. یعنی چه!! بالاخره عقلاً آمده اند نشسته اند که
راه حلی برای این قضیه پیدا کنند که قانون سجل
احوال را طوری اجرا کنند که آن قانون نظام اجباری
که قطعاً محتاج این قانون است بخوبی اجرا شود ما میدانیم
که هیچ جوان ۲۱ ساله که تکلیف خدمت نظامی
مطابق قانون باو واجب میشود او نمیخواهد از زیر این
قید فرار کند و کاملاً حاضر است فقط وقتی که خواستند
بچه یازده ساله یا مرد شصت ساله را بعوض بیست و يك
ساله بیاورند صداها بلند میشود (نمایندگان -- صحیح است)
اینها همه در نتیجه خرابی اجراء قانون سجل احوال است
و از این جا که آمده اند اصلاح میکنند يك اشتباه
موضوعی کرده اند عوض این که اداره و مأمورین را
اصلاح کنند قانون را میخواهند اصلاح کنند در
صورتیکه وقتی مراجعه شود مواد مفصل و مشروع قانون
گذشته می بینیم هم ساده تر نوشته شده و هم باصطلاح
عوام فهم تر نوشته شده و هم قابل اجرا تر و این
قانونی که آورده اند هم مشکلات نوشته شده و هم اغلب
موادش را محال است دولت بتواند اجرا کند، بنده

حالا در هر ماده که مطرح میشود عرض میکنم که
آن قانون اولی در نهایت سهولت بدست مأمور صالح
ممکن است تمامش اجرا شود در صورتیکه این قانون
بدست صالحترین مأمور دولت ممکن نیست اجرا شود
عجالة آن چیزی که بعقیده ما مبتلا به آئیه هست آقایان
آمده اند خواسته اند گذشته را مخلوط با این کار کنند
شما برای آئیه بعقیده بنده یکی دو سه ماده همانطور که
آقای ناسائی هم در ضمن بیاناتشان اظهار داشتند ممکن
است دو سه ماده بیاورید به مجلس و يك قدری وضعیتان
را اصلاح کنیم مثلاً یکی راجع به مجانی بودن
آن. یکی از رؤسای سجل احوال با يك دلالتی
به بنده ثابت کرد که این قانون باید مجانی اجرا شود
و صحیح هم گفت این را کاملاً ما موافقیم که این ماده
لازم است یکی هم مجازات است یعنی مجازات کسانی که
بعد از مجانی شدن غفلت از انجام تکلیف خودشان میکنند
آن راه بنده معتقدم که باید مجازات در کار باشد و یکی
هم طرز تشخیص است که در قانون سابق مینویسد بکنفر
شخصی که میباید اظهارات می کند اگر سواد دارد که
خودش می نویسد اگر سواد ندارد دو نفر معتمد باید
بیانند و اظهارات او را تصدیق کنند این را اگر شما
می دانید يك مشکلی برایش هست این را در خارج
می نشینیم و فکر میکنیم به بینیم چه باید کرد (مبتکران
نمیشود) که چه جور تشخیص صحت اظهارات باید داده
شود ولی اگر شما بخواید همان که بالاخره شمارا مجبور
کرده اند که این قانون را عوض کنید آنها را مشخص
اظهارات قرار دهید خودتان تصدیق بفرمائید که این
يك خرابی است فوق آن خرابی ها و عقیده
بنده این است آن ماده که مربوط به گذشته است
صرف نظر کنید بر فرض اگر هفتصد هزار ورقه غلط
هم صادر شده باشد نسبت به ۱۰ ۱۵ میلیون جمعیتی
که ما داریم این قدرها مهم نیست برای آئیه نان فکر
کنید برای آئیه اگر شما بطور صحت قانون سجل احوال

را در مملکت اجرا کنید میتوانید سالی بیست سی هزار
قشون بگیرید بدون سر و صدا اگر صحیح اجرا کنید
اگر مأموری که میخواهید برای سجل احوال تعیین
کنید عقب مانده ترین و پس مانده ترین تمام مأمورینتان
نباشد. آقای وزیر مالیه يك عده مأمورین خوب و
بعقیده بنده کار آزموده در نتیجه تقلیل بودجه خارج
کردند وقتی ما مهشان میگوئیم بیدائید بروید به اداره
سجل احوال میگویند آقا خواهش میکنیم يك جای
دیگری را برای ما پیدا کنید یا برگردیم توی مالیه این
وضعیت را تغیر بدهید برای اینکه شما عالیترین مقامی که
تعیین کرده اید برای قطعه جنوب عالیترین رتبه که قائل
شده اید رتبه هفت یا هشت است. در تمام مملکت شما
میخواهید دو رتبه هفت و يك رتبه هشت با سه چهار تا
رتبه شش معین کنید و مابقی را تمام ده تومان و
هشت تومان بدهید آنهم اشخاص بی اطلاع، بیسواد
بی تجربه و شاید اشخاصی که وجدانشان کاملاً امتحان
نشده. در صورتیکه تصدیق میفرمائید برای اجرای این
قانون قطع نظر از اینکه تمام صفات حسنه برای يك
نفر مدیر لازم است بایستی در اشخاص هم دقت شود
با وجدان ترین اشخاص باید برای این اداره انتخاب
شوند همانطور که شما يك قاضی که میخواهید انتخاب
کنید برای يك موضوع حقوقی میگردید که يك اشخاص
صحیحی پیدا کنید برای اینکار هم که همه چیز مردم
جان و مال و ناموس مردم را میدهد دستش باید سعی
کنید که اشخاص خوب انتخاب کنید و حقوق خوب
هم بدهید از سایر وزارات نهایتاً که میکاهید ببودجه
سجل احوالتان اضافه کنید و توسعه هم در آن واحد لازم
نیست در تمام مملکت بدهید پول بدهید اداره کامل در
نقاطه مملکتان تاسیس کنید. آقای وزیر داخله خصوصاً
مسبقند شاید تحقیق هم کرده اند اصفهان نسبت به جاهای
دیگر سجل احوالش اشتباهش کمتر است شاید در شهرش
هیچ نداشته باشد از خارج شهر و دهانش هم شاید از

صدی پنچ تا صدی ده اوراق غلط صادر شده باشد و این نسبت بنام مملکت که ملاحظه میکنید اهمیتی ندارد و این بواسطه این است که بهترین ادارات در آنجا بوده برای اینکه نسبتاً يك مأمور خوبی داشته اید ولی بنده شنیده (حالا اسم نمیرم) در یکی از ولایات يك حاکمی سیزده هزار تومان از سجل احوال دخل پیدا کرده. این کارها را کرده اند که شما مجبور شده اید بیایید قانون را عوض کنید در صورتیکه هیچ عیبی قانون قدیمتان بعقیده بنده ندارد و میتواند با اصلاح یکی دو سه ماده قانون سجل احوال را اصلاح کنید و نظام اجباریتان هم بدون اینکه یک نفر در این مملکت مخالف باشد اجرا خواهد شد.

مخبر - نماینده محترم راجع باصلاح این قانون يك کلیاتی فرمودند که بنده قبلاً عرض کرده بودم که مقصود از شور اول هر قانونی این است که جلب نظر آقایان نمایندگان بشود و بنده اطمینان میدهم که پس از اینکه مواد مطرح شد و آقایان پیشنهادات خودشان را دادند کمیون داخله با نظر آقایان این قانون را اصلاح می کنند از این جهت آقایان نگرانی نداشته باشند. بنده میخواهم عرض کنم و تصدیق میکنم که يك عده زیادی از مأمورین سجل احوال بواسطه اینکه حقوقشان زیاد نبوده است يك مأمورینی نبوده اند که ما بتوانیم انتظارات خوب از آنها داشته باشیم برای اینکه مأمورین سجل احوال با چهار تومان، پنج تومان، شش تومان حقوق داشته ایم ولی از آن طرف هم يك مأمورین خوب و صحیحی داشته ایم که عملیات آنها شاهد وظیفه شناسی و صحت عمل آنها است و تصور میکنم بی انصافی است اگر بگوئیم همه مأمورین سجل احوال بد کرده اند. يك عده هستند که وظیفه خودشان را بخوبی انجام داده اند و الان مورد استفاده اداره سجل احوال هستند برای حسن عمل و صحت عمل و اطلاعاتی که دارند خوشبختانه بطوری که آقایان نمایندگان

مطلع هستند در بودجه ۱۳۰۷ يك بودجه نسبتاً کافی برای اداره سجل احوال در ضمن بودجه کل مملکتی منظور شده است و بنده میتوانم امیدوار بشوم در آنجا بواسطه اینکه حقوق کافی خواهند داد در انتخاب آنها بیشتر دقت خواهد شد و از این رهگذر هم نگران برای آقایان باقی نخواهد بود. ضمناً فرمودند که این قانون را يك مرتبه در همه جای مملکت میشود اجرا کرد بنده هم تصدیق میکنم و در ابتدای اجرای سجل احوال هم یکی دو سه ولایت را شروع کردند بعد بتدریج چند ولایت اضافه کردند و الان هم باز همین نقشه و این نظر را دارند که در ۱۳۰۷ يك عده از ولایات را سجل احوالش را تکمیل کنند و بقیه را بگذارند برای سنوات بعد که بتدریج با دقت و فرصت این کار شده باشد که این قبیل سوء عملها پیش نیاید و نگرانی آقایان هم رفع شود.

رئیس - پیشنهاد تنفس شده است

بعضی از نمایندگان - صحیح است

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - راجع بدستور پیشنهادی رسیده است قرائت میشود.

(شرح آتی قرائت شد)

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

پیشنهاد میکنم که لایحه سجل احوال از دستور این جلسه خارج شود و لایحه خالصجات انتقالی در درجه اول لایحه قرضه کارخانه ریسمان باقی در درجه دوم لایحه چاه آرنیزین بزد در درجه سوم در دستور امشب گذاشته شود

رئیس - راجع بلایحه خالصه انتقالی آقای دادگر و

آقای دکتر طاهری هم همین پیشنهاد را کرده اند مخالفی نیست

آقای کازرونی

کازرونی - عرض کنم اولاً لایحه اصلاح سجل احوال گمان میکنم همان طوریکه آقایان توضیحات دادند لازم باشد که ما شورش را با تمام. سانیم آنوقت ارجاع شود به کمیسیون که کمیسیون مطابق نظریات مجلس اصلاحاتی بکند و اگر عقیده شما این است که بدون مذاکره برود به کمیسیون همان کمیسیون است که این راپرت را بشما داده پس لازم نیست رفتن با آنجا همینکه هست مثل این بدانید که رفته و برگشته در هر صورت بنده عقیده ام این است که خروج از دستور بجهانی خوب نیست و بهتر این است که ما درس شور کنیم

وزیر مالیه - پیشنهاد آقای فیروز آبادی اگر مبنی

بر این است که لایحه سجل احوال از دستور خارج شود این را بنده یقین دارم که نمایندگان محترم هیچ کدام موافقت نخواهند کرد زیرا لایحه سجل احوال یکی از آن لواجیحی است که فوق العاده اهمیت دارد و بایستی خیلی زود تکلیفش در مجلس معلوم شود ولی امشب مخصوصاً بنده شرفیاب شده بودم که تقاضا کنم خالصه انتقالی که دو سه ماده بیشتر باقی مانده برای آخر جلسه تمام شود که در جلسه بعد در اول دستور بتوانیم برگردیم بقانون سجل احوال بنده تمنا میکنم آقایان با این نظریه موافقت فرمایند و آقای فیروز آبادی هم پیشنهادی را که فرمودند مسترد فرمایند عجله این مقصود ایشان امشب بعمل میآید بعد میرویم سر باقی مطالب.

فیروز آبادی - بنده پیشنهاد را مسترد میدارم که خالصه انتقالی مطرح شود بعد از او هم قرضه کارخانه ریسمان باقی.

رئیس - پیشنهاد دیگری هم هست

(بمضمون ذیل قرائت شد)

امضاء کنندگان ذیل پیشنهاد میکنیم که شور نان امتیاز چراغ برق مملکتی مطرح شود. کازرونی - افشار

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - این پیشنهاد را بنده و يك چند نفر دیگر

از آقایان امضا کردیم مقصود این است که این لایحه چون تماس دارد با احتیاجات عمومی مملکت شوراولش شده شور نائیش هم در کمیسیون خانمه پیدا کرده راپرتش را داده اند اگر چنانچه آقایان اجازه بدهند شور نائیش را با تمام برسانیم کاف میکنم نافع تر از سایر قوانین باشد.

رئیس - رأی میگیر بدو بلا لایحه خالصه انتقالی آقایانی

که تصویب میکنند جزو دستور بشود قیام فرمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد های ماده هفت

قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای دهستانی

در ماده هفتم تبصره ذیل علاوه شود

تبصره - املاکی که از تاریخ ۱۳۰۰ قمری باینطرف

بتصرف اشخاص بوده و دولت بعنوان خالصگی تصرف نموده است

مطابق ماده ۲ بحکمیت قطع خواهد شد

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - پیشنهادی که بنده تقدیم کردم هیچ مخالفی

با این ماده هفت نخواهد داشت در ماده ۷ مینویسد

خالصجاتیکه در نتیجه نمرد با طغیان بنصرف اشخاص در

آمده است و برای دولت بلحاظی استرداد آنها مقدور

نبوده است مشمول مواد این قانون نخواهند بود همینطور

بنده خوب میدانم که يك قسمت املاکی را که متعلق

بمتردین بوده دولت ضبط کرده در آن قسمت بنده

حرفی ندارم ولی آقایان باید تصدیق کنند خصوصاً دهات

اربابی که مجاور با دهات خالصه است يك قسمت اراضی

اشخاص را بعنوان خالصگی ضبط کرده اند برای اینکه

سه چهار فقره امسال ضبط کرده بودند که بنده به

آقای وزیر مالیه اظهار کردم و آن اراضی را بصاحبانش

مسترد کردند از این نقطه نظر که برای آنها تکلیفی معین شده

باشد بنده پیشنهاد کرده که اگر قسمت اراضی بعنوان خالصه دولت از ۱۳۰۰ باینطرف تصرف کرده است بطوریکه در ماده دو میگوید بحکیمیت تمام شود که رعایت حال آنها هم منظور شود

رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- بنده عضو کمیسیون نیستم

رئیس -- آقای ملک مدنی

ملک مدنی -- عرض کنم این اظهارات آقای دهستانی مربوط باین ماده نبود اگر در يك اراضی تجاوززائی شده باشد مربوط باین ماده نیست و خیال میکنم تبصره که پیشنهاد کرده اند موردش اینجا نباشد

دهستانی -- در صورتیکه مربوط نباشد باین قضیه بنده استرداد میکنم .

(پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ماده ۷ این نوع اصلاح شود

ماده ۷ -- در موضوع املاک دولت که در تصرف متمرکزی در آمده است بعدلیه مراجعه شود

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- در شب گذشته رفیق محترم من آقای بامداد يك تنقید علمی به بنده کردند بنده عرض کردم که ایماجه خروج موضوعی دارد این اصلاحیه این قانون نیست که شما در اینجا مینویسید بلسان خودمان عرض کردم (مستثنای منقطع) یعنی داخل نیست . خروج موضوعی یعنی داخل نیست خواستم بلسان طلبگی صحبت کنم .

عرض کردم اصل این ماده در قانون نبوده است و نیست حالا يك موضوعی پیدا شده است و يك مستمر دینی پیدا شده اند و يك املاکی را از دولت تصرف کرده اند . این چه ربطی بخالصجات انتقالی دارد ؟ ما يك عدلیه محکم مسلم محل اطمینانی داریم . در همچوموردی رجوع کنند بعدلیه . حالا که میخواهند يك ماده هفتی داشته باشید پس اینطور تفسیر کنید و الا يك چیزی

که متمرکزی پیدا شده است و يك خالصه از دولت برده است این را خالصه انتقالی نمیگویند . ما در ماده اول بیان کردیم خالصه انتقالی آنست که دارای فرمان باشد رسمی باشد ، تصدیق شده باشد ، سی سال بعنوان ملک متصرفی در دست دولت باشد . همچو چیزی خالصه انتقالی است . با هزار من سریشم این ماده باین قانون نمیچسبد ربطی باین قانون ابدا ندارد . اگر همچو چیزی واقع شد برای اینکه مانوجه بدهیم مردم را که عدلیه معادلیه آبرو مند با اهمیتی است که دولت در مسائل خودش رجوع بعدلیه کند و از محکمه صالحه حکم صادر کند . دیگر ذکر کردن ایماجه در اینجا بیهوده است

مخبر -- آقای آقا سید یعقوب در این پیشنهادی کرده اند در اول متصرفین را متمرکزی قید میکنند بعد میگویند دولت بزود با آنها محاکمه کند متمرکزی که محاکمه ندارد . اگر يك دزدی رفت در يك خانه اشیائی را هم دزدید صاحب خانه باید او را بگیرد بازود عدلیه محاکمه کنند تا معلوم شود دزد است و اشیاء را سرقت کرده آنوقت از او بگیرد ؟ دزد را وقتی گرفتند دزد است دیگر محاکمه ندارد . بعلاوه ماده اول يك شرایطی از برای تملك متصرفین قید کرده است ملاک ما اصولاروی تصرف است . اگر کسی متصرف باشد ولی تصرفش عدوانی باشد ما نمیتوانیم بیست سال مرور زمانرا شامل او بدانیم . البته باید يك قیدی بکنیم که او را خارج کنیم از این تعریف این مستثنای منقطع نمیشود زیرا این شرط چهارمی است برای ماده اول . یکی داشتن بیست سال نحت تصرف است بموجب فرمان ، یکی هم اینکه تصرف آنها در نتیجه طغیان و تمرد نباشد . این هم یکی از شرایط تصرف است بنابر این پیشنهادی که فرمودید بکلی مخالف قانون و مخالف حقانیت است . میبایستی اشخاصی که در نتیجه طغیان و تمرد يك املاک مسلم دولت را تصرف کرده اند و دولت وسایل پس گرفتن از آنها را نداشته است این قسمت از این قانون خارج شود بعد اگر

توانستند ثابت کنند که تمرد نداشتیم حق ما بوده ممکن است دولت بآنها رد کند . عجالتاً ما گفتیم مشمول این قانون نخواهند بود

آقا سید یعقوب -- استرداد میکنم

رئیس -- پیشنهاد آقای مدرس

(بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم نوشته شود املاکی که سابقاً در تصرف دولت بوده و در نتیجه تمرد الی آخر

رئیس -- آقای مدرس

مدرس -- بنده عقیده ام این است که خالصجاتی که اینجا نوشته اند تشخیص موضوعش مبهم است . بکدفعه این است در دفاتر خالصه نوشته حالا هم در تصرف کسی است یا به طغیان یا بتمرد عقیده ام این است که این ماده بجهت او کافی نیست ولی اگر ملک خالصه سابقاً در تصرف دولت بوده است و در اثر طغیان و تمرد کسی دیگر تصرف کرده است این ماده بجهت آن خوب است لکن صرف عنوان خالصه که مشخص معلوم نمی شود چیست ولو در دفاتر ها نوشته باشد ما می گوئیم علاوه بر آن چیزهای دیگر هم معتبر است که از جمله دولت باید در زمانی تصرفات مالکانه درش داشته باشد آنوقت این را ما خالصه میگوئیم و الا خالصجاتیکه در دفاتر نوشته شده باشد و دولت تصرف مالکانه در آنها نداشته باشد بصرف این ما آنها را خالصه نمیشناسیم در جلسه قبل هم آقای مخبر نمیدانم از روی محبت یا التفات بود که شاهزاده پیشنهادی کرد باین معنی و قبول کردند حالا هم اگر قبول کنند تصور می کنم رفع شبهه و اشکال میشود

مخبر -- دو مرتبه قرائت شود

(پیشنهاد آقای مدرس مجدداً قرائت شد)

وزیر مالیه -- مطلب صحیح است ولی این پیشنهاد مستلزم يك چیز دیگری است یعنی مستلزم این است که قبل از اینکه از دست طغانی و باغی ملک را پس بخواهند

بگیرند دولت در يك جائی اثبات کند که قبلاً متصرف بوده

مدرس -- البته

وزیر مالیه -- این بر میگردد باینکه برود اقامه دعوی

کند با آن باغی

زعیم -- حکمیت

وزیر مالیه -- حکمیت هم نمیشود مربوط بحکمیت نیست يك اشخاصی هستند در این مملکت معلوم ، معین مشخص همه میدانند که سالیان دراز اینها تابع حکومت مرکزی نبوده اند در سرحدات جا های دیگر يك املاکی از املاک دولت را اینها متصرف شده اند دولت ضعیف بوده است نتوانسته از اینها املاک را بگیرد مداخلات کرده اند در آن املاک بعضی باسم ابوابجمعی بعضی بعنوان نمیدانم گردنکشی رئیس ایل و چه وجه حالا دولت بیاید برود محکمه عدلیه اقامه دعوی کند این نمیشود پس باید آقایان موافقت کنند که خالصجاتی که خالصه دولت بوده ...

مدرس -- یعنی چه

وزیر مالیه -- باقیش یعنی چه ؟ یعنی مثل يك اسنادی هست از برای تصرف دولت يك اسناد و مدارکی بنده عرض میکنم خودم تصدیق میکنم که این علائم و مدارکی که هست بایستی محدود شود تمام آنهاست که هست شاید نمیشود بآنها اعتماد و اتکا کرد ولی ما بالاخره هیچ وسیله و چاره نیست که در این قبیل موارد مثل همین موردی که الان مطرح است باید حمایتی از آن مدارک را محکم تصور کرد . و بالاخره این رقبات و نوشتجاتی که ما اینهمه تنقید میکنیم و تنقیداتمان صحیح است من خودم حرفی ندارم تصدیق میکنم اما اینها در عرض هم نیستند يك رقبه نادر شاهی غیر از يك رقبه است که در زمان ناصرالدین شاه نوشته شده ، با هم تفاوت دارد بالاخره اگر آقایان میل دارید که این مطلب را اصلاح کنید از راه خراب کردن ماده هفت نباشد از این راه باشد که

پیشنهاد کنید و يك حد معینی برای آخرین رقبه برای این قبیل اسناد مأخذ قرار دهید این را بنده ممکن است قبول کنم ولی این شکلی که آقا پیشنهاد می فرمایند بالاخره این يك تسجیل و تصدیقی است در مجلس شورای ملی بان طغیانها و عملیات و نمیشود قبول کرد

رئیس - آقابانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد.

مدرس - حالا ماده دیگر پیشنهاد میکنم والا این اسباب زحمت است.

(پیشنهاد دیگری بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای روحی

ماده ۷ را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم

خالصجاتی که در نتیجه نبرد یا طغیان بتصرف اشخاص در آمده و برای دولت بلحاظی استرداد آنها مقدمه نبوده ملک دولت شناخته شده و مشمول این قانون نخواهد بود

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم که این قانون چند ماده برجسته خوب دارد بکیش این ماده است بعقیده بنده. حالا شاید آقایان اطلاعاتی نداشته باشند و شاید خود حضرت آقای مدرس نظر آن باشد که بنده اطلاعاتی دارم که اقتناع کننده است. الان یکی از نظائر اینکار را بنده سراغ دارم. عایدات خالصجات دولت در بلوچستان بازده هزار خروار غله است

مدرس - در تصرف دولت هم بوده است؟

روحی - بلی شاید سی سال چهار سال این مبلغ را میداده اند با يك مقداری تقد يك نلت از عایدات کنونی بلوچستان از خالصجات دولت بوده است که همیشه حکام کرمان از آنجا استیفا میکردند و شاید اگر

امروز خوب عمل شود سالی صدو پنجاه هزار تومان دولت عایدات داشته باشد با این چه معامله می خواهید بکنید؟ دولت برود از دست فلان باغی بلوچ بعدلیه عارض شود؟ این انصاف است؟ این ملک دولت بوده است و دولت در نتیجه قدرتی که امروزه پیدا کرده باید این املاک را استرداد کند و حقش را بگیرد ما غیر از این معامله خالصه نام العیار با آنها کار دیگری نمیتوانیم بکنیم آقایان بدانید هنوز در خیلی از قسمتهای مملکت اراضی و املاک دولت بحد وفور هست که باید از آنها استفاده کرد و يك چیز کوچکی در مجلس شورای ملی باعث تضییع حق دولت نباید باشد.

رئیس - آقابانیکه پیشنهاد آقای روحی را

روحی - استرداد میکنم قصد توضیح بود

رئیس - رای میگیریم بماده هفتم.

مدرس - آقا پیشنهادی بنده تقدیم کرده ام توضیح بدم.

رئیس - آن پیشنهاد را در جلسه گذشته توضیح

دادید بعد بنا شد که در موقع رای گرفتن تکلیفش معلوم شود

مدرس - آقای وزیرمالیه اینجا نبودند

رئیس - اشخاص دیگر بودند توضیح دادید بنده

در موقع رای تکلیفش معلوم شود. رای گرفته میشود بماده هفتم آقایانی که ماده هفتم را تصویب میکنند قیام فرمایند

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. (خطاب آقای مخبر) تقاضا

کرده بودید مواد از روی راپرت جدید قرائت شود؟ مخبر - بلی ماده اول از روی اصلاحات جدید قرائت شود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده اول - خالصه انتقالی املاکی است که از ۱۳۰۰

قمری باینطرف در تصرف دولت بوده و بعد بتصرف اشخاص در آمده است املاک مزبوره در صورت داشتن یکی از شرائط ذیل ملک مالکین خصوصی شناخته شده و از حیث مالیات تابع مقررات این قانون خواهد بود.

(ا) خالصجاتیکه متصرفین آن اسناد رسمی دفتری شده داشته باشند

(ب) خالصجاتی که تا تاریخ اول بهمن ۱۳۰۶ شمسی انتقال بودن آن مورد تصدیق دولت و مالک واقع شده باشد

(ج) - خالصجاتی که تا این تاریخ سی سال در تصرف اشخاص بوده است اعم از این که از طرف دولت مورد تعرض و مداخله واقع شده یا نشده باشد.

(د) - خالصه جانی که بیست سال بدون تعرض و مداخله از طرف دولت در تصرف اشخاص بوده است.

تبصره ۱ - مقصود از تصرف اشخاص دستهای مختلفه متصرفین غیر دولت است

تبصره ۲ - خالصجاتی که قبل از ۱۲۹۰ قمری به تصرف اشخاص در آمده است در صورتی که مشمول قسمت ب نشود ملک اربابی شناخته شده و از حیث مالیات تابع مقررات قانونی املاک اربابی خواهند بود.

رئیس - آقای موقر

موقر - بنده نسبت بان لایحه دو تبصره تقدیم کرده بودم یکی مربوط به تقسیم اراضی خالصه بآئره بین اتباع ایران که در صدد آبادی و عمران آنها برآیند و بیش از این مسلوب المنفعه نماند و دیگری نسبت باراضی بآئره که سابقاً باتباع ایران واگذار شده و قسمتی از آن را بمخارج هنگفت و زحمت آباد کرده اند و در آنجا مشغول کشت و زرع می باشند و در قسمت دیگر ابنیه و عمارات ساخته و امروزه جزء شهرهای خوزستان محسوب

است آقای مخبر محترم هر دو تبصره را قابل توجه دانسته تقاضای ارجاع آنها را بکمسیون نمودند حالا نمنا دارم که توضیح بدهند تکلیف این دو تبصره در کمیسیون چه شد

مخبر - اولاً قابل توجه بودن پیشنهادات مربوط به مخبر نیست مربوط برای مجلس است چون ماده بکمسیون ارجاع شده بود بنده استدعا کردم آن پیشنهادات را هم بکمسیون بفرستند پیشنهادات آقای موقر همینطور که فرمودند دو قسمت بود یکی راجع باراضی بآئره که سابقاً باشخاص واگذار شده است و در آنجا تاسیساتی کرده اند این اراضی از ابتدا بلایع و واگذار شده آنها جمعی نداشته است بناهایی هم که در آنجا شده است مطابق معمول مالیات اربابی میدهند امروز دیگر دولت بان اراضی بهیچ عنوانی مالیات جدیدی نمیشود ببیند و نسبتاً است در قانون هم تصریح دارد اگر جمعی داشته اند و میداده اند همان را مطالبه خواهند نمود ولی اگر جمعی نداشته اند دولت دیگر از آنها چیزی نمیکرد کمیسیون اظهار بر این مطلب را در قانون لازم ندانست قسمت دیگر هم که نظیر آن پیشنهادی هم از طرف آقای شیروانی شده بود (راجع بواگذاری اراضی بآئره باشخاص) این موضوع غیر از مفهوم این قانون است چون منظور ما در این جا تعیین تکلیف خالصجات و اراضی است که در تصرف اشخاص است نه آنهایکه دولت بعد ها باید بتصرف اشخاص بدهد بملاوه دولت اظهار کرد که در نظر دارد لایحه تهیه کند راجع بواگذار کردن اراضی بآئره و بعضی بناهای بآئره و مسلوب المنفعه بعضی اشخاص اعم از مهاجرین و غیر مهاجرین که در صدد آبادی و عمران آن برآیند و چون تقدیم چنین لایحه در نظر بود دیگر اشاره چنین مطلبی را در اینجا لازم ندانستیم.

موقر - از این اظهارات مقصود بنده نامین شد

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - آقایان مسبوق هستند که بنده از اوایل دوره پنجم یکی از اشخاصی بودم که طرفدار تصویب يك قانونی برای خالصجات انتقالی و رفع اختلافات بین املاك اربابی و املاك خالصه انتقالی بوده ام در این باب هم پیشنهادات کردم، طرح قانونی نوشتم، با دولتهای وقت مذاکره کردم مخصوصاً با آقای مخبر محترم در این باب چندین مرتبه مشورت کردم که این قضیه بيك نحوی که نه خسارت بدولت وارد بیاید و نه خسارت مردم وارد بیاید و نه لطمه بسایر املاك در نتیجه تصویب يك قانونی بخورد روی هم رفته رفع شر خالصه انتقالی از این مملکت بشود البته با این تجربیاتی هم که داریم در تفسیر و طرز اجرای قوانین باید امروز که يك قانونی میگذرانیم خیلی در اطرافش دقت شود و مسائل گفته شود و يك مرتبه يك کلمه در قانون نباشد که بشود از او يك سوء استفاده هائی کرد که بالنتیجه اسباب زحمت مردم باشد يك وقت يك بیچاره که دارای دو ملك است یکی خالصه انتقالی یکی اربابی ممکن است که در نتیجه این قانون خالصه انتقالیش را از يك زحمتی نجات بدهد ملك اربابیش بیفتد بقله خالصه انتقالی این نکات را باید کاملاً رعایت کرد. در اینجا ما میخواهیم بین سه نوع از املاك يك تفکیکی قائل شویم با این ماده یکی تفکیک بین خالصه دولتی و خالصه انتقالی که در آن قسمت الف و ب و اینها ذکر شده. یکی دیگر هم بین خالصه انتقالی و ملك اربابی باید تفکیک شود که خود این ملك موضوعی است که همیشه در وزارت مالیه مطرح است و موضوع اختلاف مردم است با دولت. يك املاك اربابی هم هست مخصوصاً مال خورده مالکین و این همیشه بین آنها و يك اشخاصی که آمده اند يك فرامینی صادر کرده اند (و فرمایش آقای وزیر در ضمن يك رقباتی هم اسم این املاك نوشته شده) محل نزاع بوده. این مسئله هم باید در اینجا گفته شود و جزو این قانون بشود که بعدها این اشکالات پیش نیاید بنده که هنوز

را باید توضیح داد چیست این يك نکته یکی هم متصرف فعلی است که یقین دارم تمام آقایان هم نظرشان همین است مقصود آن کسی است که امروز متصرف يك ملكی است نه آنکه دعوای تصرف میکنند. اینهم باید اینجا توضیح داده شود و حتماً محرز شود این را هم بنده باید تذکر بدهم که يك فرامینی ما میدانیم صادر شده است مخصوصاً در دوره مظفرالدین شاه که این فرامین اصلاً عملی نشده و هیچ تا امروز تأثیری در رقبات و املاك اربابی مردم نداشته الان که سر و صدای تصویب این قانون بلند شده دوسه فقره اش در عدلیه اصفهان مطرح شده بنده اطلاع دارم یعنی بمن شکایت شده که ملكی را که از قدیم الام مردم متصرف بوده اند در سی و هفت هشت سال پیش يك کسی آمده است و يك فرمانی صادر کرده و تا امروز هم این فرمان بموقع اجرا گذاشته نشده الان همان فرمان را برده در عدلیه و تقریباً سیصد چهارصد نفر خورده مالك را متعرض شده و اسباب زحمت مردم شده از این جور کاغذ کهنه ها خیلی است ما اگر بخوایم باین جور فرامین یا رقبات اهمیت بدهیم و اینها را مورد اثر قرار بدهیم این مملکت نصفش بلکه دو نلش خالصه است يك نلش هم وقف و دیگر هیچکس مالك هیچ چیزی نیست بنا بر این آن چیزی که توی رقبه نوشته شده است منطاً نیست آن رقبه های کهنه رقبه های نادری را ما اگر بخوایم ترتیب از بهش بدهیم تمام این مملکت شامل رقبه نادری خواهد شد بنا بر این این چیزها را نمیشود ترتیب اثر داد و املاك متصرفی مردم را متزلزل کرد و برای اینکه يك مقدار دیگر را از تزلزل بیرون آورد این نکته باید در پشت تربون گفته شود که این ماده مقصود بنده را میسراند بنده برای نامین متصرفین خالصجات انتقالی و تفکیک او با خالصه دولتی هر چه آقایان نظر داشته باشند و بخوانند او را تأمین کنند بنده موافقم بطوری که هیچ حرف در اطراف او نباشد یعنی دولت حق نداشته باشد نسبت به آن املاك حرف بزند

و آن املاکی که فروخته شده دیگر شخص نالشی در مقابلش پیدا نشود. اینها را کاملاً موافقم ولی این نباید مخلوط شود که املاك اربابی مردم هم فقط محض اینکه يك فرمانی در دست يك کسی است ملك خالصه شناخته شود و همان طور که در اول گفتم اصل باید این باشد که ملك متصرفین املاك اربابی شناخته شود تا خالصه انتقالی بودن آن ثابت شود آنگاه بهمان ترتیبی که عرض کردم

وزیر مالیه - این نظریات را که نماینده محترم اظهار کردند اصولاً صحیح است ولی بنظر بنده در خود این ماده کاملاً این مسئله تأمین شده. دقت فرمائید میگوید خالصه انتقالی املاکی است که از ۱۳۰۰ قمری باینطرف در تصرف دولت بوده بعد هم علاوه می کنند که (بعد بتصرف اشخاص درآمده) این دیگر محرز است که مقصود رقبه نیست. رقبه باینست دفتر یا جزو جمع و اینها اصولاً برای مواردی است که يك املاکیکه سابقاً در تصرف دولت بوده و حالا نیست میخواهند معلوم کنند که چرا خارج شده و الا وقتیکه آقایان میفرمایند خالصه انتقالی املاکی است که از ۱۳۰۰ قمری باینطرف در تصرف دولت بوده و بعد به تصرف اشخاص درآمده باشد این محرز است که این باید ملکیت در تصرف دولت بوده باشد و اینکه آقای کازرون با آقای الموتی میفرمایند (تمام مملکت در تصرف دولت بوده شما هیچ جا بنام مملکت اطلاق ملك دولت نمی کنید. الفاظ يك معانی مخصوصی دارد. که ما نباید معانی را از الفاظ بگیریم بعلاوه ملاحظه فرمائید در این ماده قبل از این تاریخ ۱۳۰۰ را بکلی موضوع کرده و دیگر نه رقبه و نه تصرف هیچ چیزی مؤثر نیست و شما هم اسم خالصه انتقالی را ازش برداشته اید در صورتی که ما املاك بسیاری داریم که مسلماً خالصه انتقالی است صاحبش هم هیچ حرفی ندارد و الان معامله خالصه انتقالی با ما میکند ولی چون انتقالش مقدم بر این تاریخ است بعد از گذشتن این قانون آن املاك اربابی

شناخته خواهد شد بعد شما آمده اید و برای اینکه خالصه انتقالی باشد مدت چهل سال و يك شرائطی قائل شده اید و این شرایطی که هست نظریه سرکار را هم ناهین میکنند و آن فرمایشی را هم که آقای سهام السلطان میفرمایند مربوط باین قسمت نیست و مربوط به قسمت بعد و قسمت ثانی فرمایش آقای شیروانی است تصرف متصرف فعلی محرز است و پایه کار است و هیچ تردید نیست ولی آنوقت این يك ضائمی پیدا کرده است و آن مسئله فرمان است. مسئله مورد تصدیق واقع شدن مالك و دولت و غیره است الی آخر ولی تصرف پایه است و آن نظر ثانی که آقای داشتید که باید امروز در تصرف مردم باشد این هم محل تردید نیست قسمت ثالثی که فرمودید راجع به فرامینی که معمول نشده بنده تصور میکنم خود این ماده اینها را مستثنی می کنند برای اینکه در هر دو قسمت تصرف فعلی و تصرف ملکی را مقدم دانسته است يك فرمانی اگر صادر شده باشد و عمل نشده باشد ناچار تصرفی برطبقش نشده اگر تصرفی برطبقش نشده مشمول این ماده نمیشود. اگر ملك در دست دیگری است و فرمان دست ثالثی است که میخواهد بموجب این فرمان برود از او مطالبه کند مشمول این ماده نمیشود و نمیتواند این کار را بکند و اگر هم میخواهد بیاید بموجب آن فرمان از دست دولت بگیرد آهم باز مشمول این ماده نمیشود این ماده در آن قسمت هائی که آقای شیروانی اظهار فرمودند بعقیده بنده خیلی روشن است و خیلی قاطع است است و ما نیایستی در معنا و حقیقت کله تصرف اینجا يك تردیدی پیدا کنیم تصرف دولت از ۱۳۰۰ به اینطرف یعنی تصرف ملکی آن باید معلوم باشد و چنانچه بتصرف دیگری هم در آمده باشد البته معلوم است ما که نمیخواهیم دعوا درست کنیم در این قانون بایستی دقیق شد که رفع دعوا بکند نه اینکه تولید دعوا بکند بنده گاهی میترسم از این پیشنهادهائی که میشود

تولید دعوا بشود. حالا این مواد مدتی این جا مطرح مذاکره بوده و مطالعه شده و در کمیسیون آقایان مطالعه کرده اند و بنده عقیده ام این است که آقایان هم موافقت فرمایند که این قانون بهمین شکلی که هست بگذرد و بنده تصور می کنم آن سوء تعبیراتی که آقای شیروانی بآن اشاره کردند و در نظر دارند باین قانون باین صافی و سادگی تعلق نمیگیرد

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود

(بترتیب ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم در ماده اول کله مالکانه قبل از تصرف دولت اضافه شود

آقا سید یعقوب - آقایان نمایندگان شما بدانید که مسئله خالصه انتقالی در حقیقت همان حکایت پچه فیسی است که در هندوستان است و تمام ایرانی های بدبخت گرفتار هستند يك آتشی است این مسئله. خدا میدانند اگر این قانون به این شکل بگذرد در هر جا مردم به يك آتشی گرفتار خواهند شد. بنده میدانم و ناچارم به عرض برسانم املاکی بوده است که مالیاتش تیول شخصی بوده است مالیاتش در مقابل هزار تومان مواعب تیول بوده است بعد آمده است فرمان گرفته است ملکی که مال اشخاص بوده است و شری کرده اند و فروخته اند آمده است این ملك را فرمان خالصه انتقالی صادر کرده است آن آن وقت خورده ملك بدبخت بی نوا يك دفعه خبر دار شده که ملك اربابی این حضرت اعظم است. حالا چه کار باید کرد؟ البته باید يك کاری کرد آنجائی که مالیاتش را دولت تیول داده است بعد فرمان خالصه انتقالی صادر کرده است. ملکش که تیول نبوده است باید يك فکری برای اینها بکنید بنده این موضوع را خدمت آقای مخبر عرض کردم اگر مراجعه بدفتر بفرمائید کاملاً این مسئله

معلوم میشود که مالیات تیول موجب بوده بعد فرمان خالصه صادر کرده است حالا بعد این مردم که خورده ملك هستند و هر کدام يك جریب دو جریب زمین دارند بعد از این که این قانون میگردد آن کسی که فرمان خالصه انتقالی دارد می گوید این ملك طلق من است و ارث آباء و اجداد من است پس مردم بیچاره چه کنند. يك فرمایش اساسی آقای شیروانی کردند و آقای وزیر مالیه هم يك بیاناتی فرمودند ولی این بیانات آقای وزیر مالیه و شرح این قانون که در دهات نمیرود. يك کاری بکنید که این مردم بیچاره راحت شوند. لا اقل کله مالکانه را اضافه کنید و تصرف مالکانه ذکر کنید نه اینکه يك تصرفیکه بعنوان قوه قاهره بوده است. تصرف مالکانه یعنی چه؟ یعنی مثل خالصه شهریار یا ورامین که دولت مالك بوده و معامله مالکانه میکرده است نه اینکه در تصرف دولت بوده است. این يك عریضی است بنده میکنم که مسؤل نباشم.

وزیر مالیه - بنده جواب آقای آقا سید یعقوب را میخواهم بطور سؤال به ایشان بدهم. اگر شما بنویسید مالکانه بعد آنجا تجویز نمی کنید بجه همین کله به يك فردی که برود و بيك متصرف ملك خالصه که الان در تصرفش است اقامه دعوا کند به مستند اینکه دولت در موقعی که این را فروخته تصرف مالکانه نداشته است

آقای سید یعقوب - مرور زمان

وزیر مالیه - مرور زمان شامل او نیست برای این که مال بیست سال قبل از این است. بنده توضیح کافی راجع بتصرف دادم تصرف با این توضیحاتیکه در این ماده داده شده و مخصوصاً این جمله بعیدش که بعد به تصرف اشخاص در آمده این محرز است حالا ما چرا برویم و يك لغات و جملاتی باین ماده بیفزائیم که اینها خودش تولید زحمت و دعوا بکند. شما میخواهید از يك

چیزی فرار کنید آنوقت يك چیز دیگری ایجاد بکنید آقا سید یعقوب - نظر بنده ناهین شده استرداد می کنم.

پیشنهاد آقای یاسائی

بنده تبصره ذیل را عمده اول پیشنهاد میکنم

تبصره برای اختلاف راجع بملك اربابی و خالصجات

انتقالی مدت مرور زمان چهل سال است

یاسائی - بنده در سابق که این ماده مطرح بود عریاضم را عرض کردم و آن طوری که حضرت والا فرمودند که این قانون ساده است و بهمین سادگی مجرا میشود ما اینقدر خوش باور نیستیم. برای اینکه عمل وزارت مالیه را ما میدانیم که اصل منفی بافی و مشکل تراشی است. و هر کس که بیشتر منفی بافی و مشکل تراشی بکند او در نزد دولت محبوب تر است از آنکسی که طرفدار حل قضیه است بلکه آن کسی که طرفدار حل قضیه است مورد اتهام است و بالاخره اصل منفی بافی يك اصل مقدسی است و در جامعه هم همینطور است و البته با این سابقه که داریم راضی نمیشویم که موکلین ما در زحمت باشند این قانون يك قانونی است که هفت هشت ده هزار نفر از اهالی حوزه انتخابیه که بمن رای داده اند دچار زحمت میکنند خوب بنده هم مخالف نیستم که آن قسمتهائیکه قبل از ۱۳۰۰ است اینها ملك اربابی باشد ولی مطابق تبصره که ما آن دفعه هم اعتراض کردیم این است که میگویید: خالصجاتی که قبل از ۱۳۰۰ قری بتصرف اشخاص در آمده است در صورتیکه مشمول قسمت (ب) نشود ملك اربابی است قسمت (ب) کدام است قسمت (ب) این است (خالصجاتیکه تا تاریخ ۱۳۰۶ انتقال دادن آن مورد تصدیق دولت و ملك واقع شده باشد) ما در این قسمت که هر چه مورد تصدیق مردم و دولت واقع شده باشد خالصه انتقالی است حرفی نداریم ما زادتش را هم بروید بفروشید تومانی پنجتومان این مورد و اختلاف نیست ولی اگر يك چیزی مورد اختلاف شود همینطور که آقای شیروانی تذکر دادند

دولت میگوید خالصه انتقالی است ولی متصرف میگوید خیر خالصه انتقالی نیست این چرا باید مدت مرور زمانش با سایر دعاوی فرق داشته باشد؟ این چیز عجیبی است اینجا دولت بکمدت مرور زمانی قائل میشود که خیلی بیش از مرور زمانی است که ما برای مردم قائل شده ایم این تفاوت را بنده هیچ فلسفه برایش نمی بینیم اگر اختلاف بشود بین مردم و دولت یعنی مردم گفتند ملک اربابی است و دولت گفت خالصه انتقالی است این هم مرور زمانش باید چهل سال باشد قبل از چهل سال در حکم ملک اربابی است از چهل سال باین طرف مطابق این قانون اختلافات به حکمیت حل میشود و الا تفاوت قائل شدن را بنده خوب نمی دانم دیگر بسته است بنظر آقایان

وزیر مالیه - این فرمایشی که آقای یاسائی میفرمایند حقیقه فهم بنده قاصر است از درکش نه اینکه بنده هم منفی باف شده ام خبر بنده منفی باف نیستم بنده هم طالب حل قضیه هستم و همیشه طرفدار اشخاصی هستم که طالب حل قضیه هستند و مشکل تراش نیستند اما مشکل تراش غیر از مفت بازی است بین این دو تا باید فرق گذاشت. مأمور دولت آن مستخدمی که مأموریت وارد يك منافعی را مطابق يك مقرراتی حفظ کند این البته باید منافع دولت را حفظ کند و البته وظیفه خودش را باید انجام بدهد. مشکل تراش نباید باشد. مفت بازو زود تصدیق کن هم نباید باشد در اینجا بنده میخواهم ببینم که مرور زمان اساساً یعنی چه؟ آیا اساساً مرور زمان در مورد خالصه انتقالی صدق میکند یا نمیکند؟ هیچ صدق نمیکند زیرا ما اینجا معین کردیم ۱۳۰۰ را بنظر و این تعیین مدت از حیث مرور زمان نیست. برای اینکه نسبت بانظر دعوائی موجود نیست (یعنی در يك قسمت عمده اش) در يك قسمتش ممکن است دعوائی باشد ولی در يك قسمت عمده اش دعوائی نیست. انتقالی بودن بموجب يك مدارك مسامه ثابت

این قیودیکه اینجا معین شده که يك فرمانی با يك سندی داشته باشند آن وقت این ترتیبی که این جا نوشته شده خیلی مطلب را وسیع می کند و به این ترتیبی که اینجا رفع مناقشه را شرط کرده اند اصلاحشکالی ندارد حالا ده سال کمیسیون پائین آمده آقا هم چهار پنج سال را از نظر خودتان دور کنید و بالاخره بگذارید يك حد وسطی داشته باشیم

رئیس - آقایانیکه با پیشنهاد آقای یاسائی موافقت قیام فرمایند
(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد آقای فیروز آبادی پیشنهاد ختم جلسه کرده اند بفرمائید
فیروز آبادی - بنده پیشنهاد ختم جلسه کردم اما بعد از گذشتن لایحه خالصجات انتقالی روحی - بنده این پیشنهاد را قبول میکنم
رئیس - آقای روحی

روحی - الان مقداری از نصف شب گذشته است و ما هر شب هم بیش از این کار نمی کردیم و غیر از اینجا جرایم يك وظایف دیگری هم دارند بنا بر این آقایان هم عجله نفرمایند و خوبست موافقت بفرمایند که جلسه ختم شود بعد در جلسه آتی این قانون را تمام کنیم
رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که خود آقای روحی که مرد عمل و آشنا بزنگانهای اجتماعی هستند. میدانند که وارد کردن يك مسئله و کسبخته شدن آن از وسط سبب این میشود که افکار جمع شده از بین میرود و بالاخره آن مسئله هم که فرمودند نبایستی اهمیتی بهمش داد و بایستی دوام کرد و کار را تمام کرد

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای مدرس پیشنهاد میکنم که بعد از لفظ خصوصی نوشته شود که فعلاً متصرف میباشد الی آخر
مدرس - این مطلبی را که آقای مخبر و آقای وزیر مالیه (آقایان تصدیق کردند مطلقاً لفظش نوی این قانون نیست. مطلب را تصدیق کردند که طرف کسی است که متصرف باشد. این مفهوم حقیقتاً مفهوم خوبی است اما لفظی که دلالت باین مفهوم بکند این قانون نیست لهذا بنده تقاضا کردم که بعد از لفظ خصوصی بنویسند که فعلاً متصرف میباشد

فهیمی - بنده پیشنهاد آقای مدرس را قبول میکنم پیشنهاد آقای دهستانی
بنده پیشنهاد میکنم در تبصره دو سطر دوم جمله ذیل که نوشته شده است در صورتیکه مشمول قسمت (ب) نشود حذف شود
مخبر - این پیشنهاد رد شده است
پیشنهاد ثانی آقای دهستانی

بنده پیشنهاد میکنم ماده اول بترتیب ذیل نوشته شود
ماده اول - املاکی که از سنه ۱۳۰۷ قمری به اینطرف در تصرف دولت بوده و بعد بتصرف اشخاص داده شده خالصجات انتقالی شناخته خواهد شد و املاکی که قبل از تاریخ ۱۳۰۷ قمری بتصرف اشخاص بوده ملک اربابی خواهد بود

تبصره اول - املاک مزبور که بعنوان خالصه انتقالی جزو جمع مالیاتی آنها زیاد است متصرفین میتوانند تا میزان مالیات املاک اربابی از جزو جمع مالیات فعلی موضوع نموده و اضافه مالیات خالصگی را تومانی ده تومان خریداری نمایند و هر مالکی که يك ثلث یا دو ثلث از قیمت اضافه مالیات خالصگی را پرداخت بهمان نسبت از مالیات خالصگی معاف و پس از تادیه کلیه قیمت ملک مزبور در ردیف املاک اربابی و از هر حیث تابع مقررات قانونی املاک اربابی خواهد بود

دهستانی - آقای مخبر اگر موافقت میکنند رای گرفته شود و الا مسترد میکنم
پیشنهاد آقای شریعت زاده
پیشنهاد میکنم جمله (در صورتیکه مشمول قسمت
نشود) از تبصره دوم حذف شود
مخبر - رد شده است

رئیس - اگر مقصود نان شور اول است در شورانی هم میشود پیشنهاد کرد
شریعت زاده - بنده این پیشنهاد را که تقدیم کردم این پیشنهاد تقریباً يك تناسبی دارد با فکر اصولی بنده نسبت باین لایحه برای این که بنده اساساً با این قانون مخالف هستم و جهت مخالفت بنده هم يك جهات منطقی و قضائی است که متأسفانه در کمیسیون اظهار کردم و پیشرفت نکرد و چون تصور می کنم در مجلس هم پیشرفت نکند بنا بر این يك قسمتی که تا بید می کند فکر بنده را آن را تعقیب کردم فکر بنده این است . وقتی که دولت فرمان صادر میکند یا يك معامله می کند از دو نقطه نظر انجام وظیفه می کند و در مورد انتقال خالصجات انتقالی دولت در فرامینی که داده است دو عمل کرده است یکی اعمال قوه شخصی کرده یعنی مثل يك فردی طرف خرید و فروش شده و از لوازم این عمل مالکیت کسی است که باو انتقال داده شده و مالک شناخته میشود . عمل نائیش عملی است که تعیین مالیات کرده است یعنی اعمال قوه حاکمه کرده است متأسفانه این مطلب مورد توجه شده و تصور شده که این عمل نانی شرط است در صورتیکه شرط نیست و اگر متن فرامین مورد دقت واقع شود معلوم میشود که دو عمل متمایز از هم هستند در هر صورت حالا اعم از اینکه مورد تصدیق باشد یا نه بنده معتقد هستم که املاک خالصه انتقالی مثل سایر املاک است و باید در باره آنها قانون مالیات املاک ارباب اجرا شود یعنی اگر کسی شکایت از مالیات دارد میتواند در حدود مقررات مالی شکایت کند و تقاضای ممیزی کند

و بنا بر اینکه این فکر پیشرفت می کند بنده میخواستم عرض کنم که این عبارتی که در این تبصره نوشته است راجع باینکه اگر موافقت بین دولت و اشخاصی راجع به انتقالی بودن خالصه حاصل شده باشد یعنی مشمول قسمت پ باشد با این عبارت مخالفم و معتقد هستم که هر ملک که قبل از ۱۳۰۰ بهر عنوانی در دست اشخاصی است اعم از اینکه تصدیق نداشته باشند که این خالصه انتقالی است و یا تصدیق داشته باشند بواسطه دوام تصرف یا هر جهتی اگر امروز بخواهد از این قانون استفاده کنند باید با او موافقت کرد و او را خالصه انتقالی شناخت به این جهت بنده این پیشنهاد را کردم

وزیر مالیه - اولاً نماینده محترم را تذکر میدهم که همینطوریکه فرمودند اصول و منطقاً حقی را که دولت اعمال کرده بایک شرطی بوده و این شرط ملازم اعمال آن حق است و هیچ نمیشود این دو را از هم تفکیک کرد پس از نقطه نظر اصولی نمیشود گفت که این املاک مثل املاک اربابی است بعلاوه اگر در قسمت تبدیل این املاک باملاک اربابی که اصل و موضوع این لایحه و حقیقه آمال همه است و همه میخواهیم این عنوان خالصه انتقالی بر داشته شود که تمام املاک متحدالشکل شود اگر در طرز رسیدن باین مقصود يك راههای خیلی مشکلی در نظر گرفته شده بود باز میفهمیدم که نماینده محترم میخواهد يك قسمت از املاک را یعنی قبل از این تاریخ را مستثنی کنند ولی ملاحظه فرمائید شرایطی که برای تبدیل این املاک به املاک اربابی معین شده است يك شرایط بسیار سبکی است و در حقیقت با نهایت ارفاق و طرفداری از فکری که ملک مسلم اربابی باشد این لایحه تنظیم شده و بعد هم در مجلس این فکر باز تقویت شده . ما هم که موافقت میکنیم . حالا در اینصورت آیا صلاح است که ما بگوئیم آن ملکی که مورد نزاع نیست و دولت و

متصرف هر دو معتقدند به اینکه خالصه انتقالی بوده این شرایط جزئی را بعمل نیورد برای اینکه مبدل به اربابی بشود و بهمین ترتیبی که این لایحه هست بگذرد ؟ در این قبیل موارد باید يك کاری کرد که تمام اطراف و جوانب محفوظ بماند .

رئیس - آقای کازرونی پیشنهاد ختم جلسه کرده اند خطیبی - بنده مخالفم .
کازرونی - اگر مقصود آقا این است که ما امشب در اینجا بمانیم و این قانون بگذرد که بنده می بینم پیشنهاد های زیادی داده شده است بعلاوه الان ساعت هفت است و بنا بر این موفق نمیشویم امشب آنها را تمام کنیم بنا بر این بنده خواهش میکنم آقا هم موافقت فرمایند جلسه ختم شود

رئیس - آقای خطیبی خطیبی - ده دقیقه قبل آقای فیروز آبادی پیشنهاد ختم جلسه کردند و آقای دادگر هم جوانی دادند و مجلس هم تصویب نکرد حالا چطور ممکن است که بفاصله ده دقیقه بهمین پیشنهاد رأی داده شود ؟ بنده خواهش میکنم که آقا تأمل فرمایند که این ماده بلکه بگذرد بعد جلسه ختم شود

رئیس - رأی میگیریم به این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند
(عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد پیشنهاد آقای عدل پیشنهاد میکنم لفظ مالکین و مالک در ماده اول تبدیل . متصرفین و متصرف شود
عدل عرض کنم که این مسئله توضیح زیادی لازم ندارد و در کمیسیون هم مذاکره شده است و در این قانون هم همه جا لفظ مالکین متصرفین شده به این علت بنده این پیشنهاد را کردم

مخبر - در قسمت (ب) لفظ مالك تبدیل به متصرف شده است در قسمت اول هم بعد از پیشنهاد آقای مدرس دیگر محتاج نیست

عدل - بنده استرداد میکنم
رئیس - تکلیف پیشنهاد آقای شریعت زاده در ضمن رأی معلوم میشود رأی میگیریم بماده اول باینصورت اول با اصلاح آقای مدرس که قبول کردند آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . رأی میگیریم به تبصره دوم بدون عبارت (در صورتیکه که مشمول قسمت ب نشود) آقایانیکه تبصره دوم را به این ترتیب تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)
رئیس - تصویب نشد رأی میگیریم به تبصره دوم بترتیبی که در خبر نوشته شده آقایان موافقین قیام فرمایند
(عده کثیری بر خاستند)

رئیس - تصویب شد . رأی میگیریم بماده با دو تبصره آقایان موافقین قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد
بعضی از نمایندگان - ختم جلسه
رئیس - آقای روحی

روحی - عرض میکنم بنده با آقای فیروز آبادی توأمأ پیشنهاد ختم جلسه را کردم آقا فرمودند که تا تمام قانون نگذرد جلسه ختم نشود . حالا بنده تقاضا میکنم که آقایان موافقت فرمایند يك ماده دیگر هم بگذرد
(مجلس هفت ساعت از شب گذشته ختم شد)